



بر تما می کارگران وزحمتکشان

بهار نخستین باد

سرما می زمستان می رود. برفهای سنگین زیر تیغهای آخته خورشید تن به ذوب می پارند. و جویبارهای بار یک با آبهای زلالشان بسوی دریا بسراه می افتند. جوانها دل تیره خاک را می شکافند و بسوی روشنائی قدمی کنند.

بقیه در صفحه ۵



دهه فجر

نمایش درماندگی رژیم

ده فجر

نمایش روزهای قیام از سوی رژیم بود. نمایش روزهایی که به او تعلق ندارد مردم شهرها و روستاها این تهرمانان گمنام قیام خمگینانه شاهد بازی مغرور متوسلگانه رژیم در این روزها هستند که می خواهند با چسباندن خود به آن روزهای بزرگ خلق خیانت خود را به آرمان مردم لاپوشانی کنند. آنها رذیلتان در سالروز درهم شکستن ارتش شاهنشاهی توسط توده ها، ارتش را به خیابانها می آورند و بر قلبهای پرکینه مردم رژه می پزند و به توده ها دهن کجی می کنند. برق اسلحه ای ارگانها سرکوب را برخ توده ها می کنند و آنچه را که مردم شکستند بازسازی کرده به نمایش می گذارند یا دآوری آنروزها آنها به چنین شکلی تنها تسخر آن روزها و تسخر توده ها است چیزی که ختم آنان را دامن می زند و بساط رژیم را خاکستر می کند. بقیه در صفحه ۲

ارزیابی از مبارزات توده ها

در این راه افت و خیز و فرازونشیبها به علت سمعیت ارتجاع گامهای موزون و هدفمند انقلاب را بجا رفته کند. این قانونمندی تکاملی هر حرکت انقلابی و نهایتا انقلاب است. مبارزات توده های ستمکش علیه یکی از ارتجاعی ترین رژیمهای معاصر شدت گرفته است. بقیه در صفحه ۶

انقلاب با گامهایی استوار به جلو خیز برداشته است. محیط جو ارباب و وحشت شکسته شده هرچند سرکوب فاشیستی و دیوانه وار رژیم علیه توده ها و سازمانهای انقلابی کماکان ادامه دارد. اما انقلاب با قدرت به راه سترگ خود ادامه میدهد. هرچند

روز زن

سالروز جنبش زنان زحمتکش جهان گرامی باد

ساعات کار در هفته و بدست آوردن حق رای زنان مطرح شد و این روز نقطه عطفی در تاریخ مبارزات انقلابی زنان در آمریکا و جهان گردید. در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس بین المللی زنان در کپنهاگ به پیشنهاد کلارا زتکین چهره درخشان جنبش سوسیالیستی بقیه در صفحه ۳

هشتم مارس ۱۹۰۸ زنان مبارز کارگر نساجی آمریکا طی تظاهرات وسیعی در نیویورک خواهان پایان دادن به قوانین غیر انسانی ۱۲ ساعت کار روزانه برای زنان و کودکان شدند. در این تظاهرات خواهشهایی مانند عدم اشتغال کودکان در تولید، تقلیل

در این شماره:

- * اعتیاد
- * اطلاعیه
- * گرامی باد

ضمیمه خبری همراه

این شماره است



دوره

کسانی که برهم شکنندگان زندانها را بزندانها انداخته اند و برهم زندگان بساط شکنجه را شکنجه میکنند چگونه میتوانند نام پرشکوه قیام را بر لب آورند. زیرا که قیام برای برانداختن ارتش و زندان و نظم بروکراتیک بود. زیرا که قیام برای سرنگونی رژیم سرمایه داری وابسته شاه و برقرار کردن حاکمیت مردم بود، مردم میخواستند با تشکیل شوراهای خود حاکمیت خود را اعمال کنند، اما رژیم جمهوری اسلامی نظم برهم شکسته را دوباره بازسازی کرد ارتش را سرسامان داد و به ارگانهای سرکوب و زندانها افزود. مردم میخواستند مقامات حکومت را خود انتخاب کنند، اما جمهوری از فیضیه قم هر آدم مرتجع و کودنی را بدون آنکه هیچ کاری جز نشستن با مردم بلد باشد بر سرنوشته مردم حاکم کرد زیرا اگر مقام حکومتی انتخابی باشد نماینده های خود فروخته چون آقای مدنی نماینده سراوان هر اراجیفی بنام مردم نمیگوید، زیرا اگر چنین کند مردم حق عزل او را دارند و بزیبیش میگویند. حال چنین حکومتی با چنین کارنامه ننگین، روزهای قیام را به خود نسبت میدهد. برگزاری مراسم در این روزها از سوی رژیم تنها میتواند کینه و نفرت مردم را نسبت به رژیم دامن زده و خاطر روزهای بزرگ قیام را بر ذهن مردم زنده کند.

گزارش برگزاری این مراسم را در استان سیستان و بلوچستان بطور خلاصه می آوریم. ابتدا از دبیرستان برگزاری دهه فجر در استان آغاز می کنیم:

جهد اسلام میری دبیرستان برگزاری دهه فجر در استان اعلام کرد که بمنظور شناخت انقلاب (تحقیق زحمتکار) به روستائیان و عشایر و کشاورزان و دامداران بیشترین امکانات و برنامه های امسال متوجه روستاهای استان خواهد بود. بهمین خاطر ۱۱ اکیب پیش بینی شده از زاهدان به شهرستان ها و مرکز بخشها و از آنجا به روستاهای دور افتاده اعزام خواهند شد که از طریق جهاد ویرانگر برنامه ریزی گردیده است و سپس گفت تبلیغات دهه فجر بطور کلی در چهار بعد که شامل

تبلیغات و اعزام مبلغ توسط سازمان تبلیغات اسلامی و تدارک و توزیع و تزئینات با مسئولیت بنیاد شهید رژیم و بعد سمس و بصری و هنری با مسئولیت ارشاد اسلامی رژیم و برگزاری نمایشگاه با مسئولیت استانداری و فرمانداریها انجام خواهد شد. در روزها دهه فجر به ترتیب مراسم یکسانی را در کل استان به نمایش و اجرا در آوردند. روز نوازیم در شهر زاهدان با تهدیدات اداره راهنمایی و رانندگی تا کسی داران و اتحادیه آنها را موظف کرده بودند که با بوقهای اتومبیل و نیز روشن نمودن چراغهای خود در حرکت کمند، که از استقبال کمی برخوردار شده و توده ها با کنایه و نیشخند، تنفر خود را اعلام میکردند بطور کلی این عمل آنها با عدم حمایت توده ها روبرو گردید. روز سیزدهم بهمن ماه را که روز انقلاب و روحانیت نامگذاری کرده بودند مراسمی در حوزة علمیه دینی تشیع و تسنن با جمععی از آخوندها و روحانیون مرتجع سنی برگزار گردید. روز چهاردهم و پانزدهم را روز نیروهای نظامی و انتظامی رژیم نامگذاری و فقط صبحگاههای مشترک و رژه در این روزها توسط نیروهای سرکوبگر رژیم در شهرها برگزار گردید که هدف رژیم نشان دادن قدرت خود به توده ها بود ولی با عدم حمایت توده ها روبرو گردید و حتی در این ایام فرمانده نیروی زمینی به زاهدان آمده بود و از این روزها بنام روز جنگ و انقلاب نیز یاد کرده و از ارتش ضد خلقی با افتخار درخواست کرد که در جهت ثبات رژیم بکوشند. در روز شانزدهم بهمن که این روز عمل کرد طرحهای عمرانی رژیم بود طی برنامه ریزی های سراسری در هر یک از شهرهای استان چند طرح ضد مردمی توسط رژیم افتتاح گردید که با عدم حمایت توده ها روبرو شد و فقط با حضور مسئولین مزدور رژیم برگزار گردید. حتی در طرحهایی که در روستا اجرا کرده بودند در موقع افتتاح با عدم حمایت توده ها مواجه گردیدند. روز هفدهم بهمن را روز شهدا نامگذاری کرده بودند که حتی خمینی در این رابطه طی سخنانی از مردم خواسته که شهدا را تجلیل کنند که در نتیجه مراسمی از سوی خانواده های کشته شدگان جنگ در قبرستانهای آباد شده از سوی

رژیم برگزار گردید و حتی رژیم عده ای از نیروهای کمیته ای و بسیج و سپاه و بنیاد شهید را در سایر شهرستانها نیز بسیج کرده بودند تا به خانواده های کشته شدگان جنگ سر بزنند و آنها را دلداری دهند و آنها را به حمایت از رژیم راهنمایی نمایند. روز هیجدهم را در استان روز سابقه حفظ و قرائت قرآن و اعلام کرده بودند که در کل شهرهای استان مسابقاتی برگزار شده و چند نفر را انتخاب و به زاهدان جهت برگزاری مراسم فوق اعزام کرده بودند که فقط عده ای حزب الهی و پاسدار و بسیجی در این مسابقات شرکت کرده بودند. روز نوزدهم بهمن ماه روز معلم و انقلاب نامگذاری شده بود که در این روز برنامه هایی اجباری همچون راهپیمایی اجرا شد که دانش آموزان را با الجبار و ادار به شرکت در راهپیمایی نموده بودند. روزهای بیستم و ۲۲ بهمن که روزهای خاص و سرنوشته ساز انقلاب اعلام گردیده بود مراسمی از سوی ارگانهای سرکوبگر رژیم (سپاه پاسداران، کمیته و ...) و راهپیمایی بطور اجباری از دانش آموزان، معلمین، کارمندان، نظامیان و نیروهای سرکوبگر و افراد مزدور حزب الهی برگزار گردیده و توده ها هیچگونه حمایتی از مراسم رژیم ننمودند و با این شیوه تنفر خود را از رژیم اعلام داشتند. بطور کلی مراسم بطور یکسان در سراسر شهرهای استان اجرا گردید. در ایام دهه فجر رژیم عده ای از آخوندهای اعزامی از حوزه علمیه قم به این استان آمده و حتی به بخش جالی رفته مردم را دعوت به حمایت از جنگ نموده اند. رژیم در دهه فجر برای تبلیغات و اعلام بیلبان کار خود چند پروژه عمرانی را بهره برداری نمود و همچنین استانداری جهت برگزاری ایام دهه فجر بمشهرستان ابرانشهر رفته و در مسجد آل رسول که عده ای از روحانیون شیعه و سنی در آن جمع بودند سخنانی ایراد کرد که نشانه ترس مزدوران رژیم از فعالیت هواداران رزمنده سازمان بود و از سران رژیم خواست که برخوردی قاطع پیش گیرند. در ایام دهه فجر نیز عده ای مزدور به مدارس و مساجد رفته



روز ..

و کمونیستی جهان تصمیم گرفته شد برای گرامیدانت مبارزات زنان کارگر نساجی امریکا اینروز بعنوان روز جهانی زن شناخته شود و همه ساله به این مناسبت در سراسر جهان جشنها و جلساتی بدین منظور برگزار گردد.

زنان مبارز میهن ما در شرایطی اینروز را گرامی میدارند که تحت شدیدترین ستم جنسی طبقاتی قرار دارند و به دردناکترین شکلی تحولات تاریخی را از سرگذاشته اند زیرا علاوه بر زندگی در جامعه سرمایه داری وابسته و خودبیزگیاگی خاص آن در ایران تحت حکومت رژیم مذهبی و عقب مانده سرمایه داری جمهوری اسلامی از ابتدائی ترین حقوق انسانی بی بهره اند مختصر تغییراتی که در شکلی بسیار شکنجه آور در طول سالهای متمادی و عمدتا پس از رفم ارضی و تسلط سرمایه داری وابسته بشکلی بوروکراتیک در زندگی آن رخ داده بود. بسوی خونین ترین صورتی مجبور به بازگشت صوری و مقطعی از آن شدند. آنچه خود باید تغییر انقلابی می یافت و آن وضعیتی که خود دردناک بود و عذاب آور اینک صد چندان عذاب آورتر شده است. با نگاهی به قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی بعینه متوجه بی حقوقی کامل زنان چه در بعد اجتماعی و سیاسی و چه در تمامی سطوح زندگی اجتماعی خواهیم شد. تحقیر و خفت بمراتب بسی بیشتر از حتی یک جامعه سرمایه داری پیشرفته.

امکانات رشد و آگاهی و روابط اجتماعی در حدی نداشت و آرزو که روزگار زنان ایران را به نعلبزه های تاریک و پنجره های انتظار خلسه کرده است و سهمیه آنان را از دنیای قرن بیستم با تمامی تغییرات و تحولات آن معانه داری و برده نشینی و چهاردیوار خانه قرار داده است و تنها جایی که برابری برای آنان وجود دارد فقر و فلاکت و بدبختی و جوخه های تیرباران است. اگر برعلیه جنایتی که در جلوی چشم آنان اتفاق افتاد به دادگاه برای شهادت مراجعه کنند نصف آدم محسوب میشوند معنی گرفتن مسئولیت های عمده را ندارند که هیچ بلکه افضل است که در خانه بنشینند و بچه داری

کنند، چکارخانه بفارند و دم برنیا. ورنه اگر پای کار در میان باشد آزادانه در هیئت خواهان زینب چون راسوئی یک چشم به عکار انقلابیون بپردازند و یا در ماهینهای گشت در خیابان بچرخند و زنان را موعظه کنند و تهدید نمایند تا خانه نشینی را به خیابان آمدن ترجیح دهند. این است نهایت حقوقی که برای زن در جمهوری بعنوان عالیترین معیار ارزش اجتماعی و الگو در نظر گرفته شده است. زنیکه با عناوین نفلکارانه ای چون عصمت و عفت و... در حرمزندان شده است و تنها هنرش گریه است و زاری و آفتاب رویی را نمی بیند. این تصویرست که از یک زن با ارزش در جمهوری اسلامی تبلیغ میشود. اما آن زن زحمتکشی که دل سخت زمین را میشکافد و از ترون آن نان مردم را بیرون می آورد و گیسوان خاک آلود میسند ارزش تاریخی و سازنده اوست یا زنیکه چرخهای کارخانه را می چرخاند و بسا سرانگشتان پینه بسته اش جهان را تغییر میدهد مبر شیخ منیری که چون زالو از شمره خون کارگران و نهقانان تغذیه میشود و برعلیه آنان سخن می گوید و برای سرمایه داران دعا میکند و عامل سرمایه داران است آیا برتری ندارد؟ و نباید از حقوق وسیع اجتماعی و هم طراز با مردان برخوردار باشد؟ اصولا هر زنی نباید با مردان برابر باشد؟ در جمهوری اسلامی این حرف " کفر " است. زیرا که با ارزشهای حرمرسانی به زن می نگرد و در قاموس جمهوری اسلامی مرد می تواند (البته در عمل سرمایه داران و آنها که دستاورد بهمنشان برسد و گرنه زحمتکشان نه چنین اندیشه هائی دارند و نه امکانات مادی آنها) چندین زن را در حرمرسا بعنوان صیغه یا نعتی شرعی برده نشین کند. و ظالمانه بر سرنوشته آنان حکومت کند. اینست تمامی حرف جمهوری اسلامی درباره زنان و حرف سلطنت طلبان را نیز سالها پیش از زبان نشان شنیدیم و عملا دیدیم که درباره زن چگونه فکر و عمل می کنند و زنان علاوه بر استثمار در مزارع و کارخانجات زیر ستم جنسی نیز قرار دارند و زنانی که در مشاغل غیر تولید در اشکال مشاغل زینتی و تبلیغاتی بکار اشتغال دارند و عملا عروسکهای

تبلیغاتی جامعه سرمایه داری برای آب کردن بنجلها بمان هستند بطور کلی در جامعه مورد نظر آنان (سلطنت طلبان) زن موقعیتی ندارد و با نگاهی به آمار مشاغل اساسی در جامعه محمدرضاغاهی به محدودیت های زنان پی خواهیم برد: بنی صدر و بازرگان نیز که در پوستین مخالفت خوانی با جمهوری اسلامی خمینی وارد میدان شده اند نیز زنان را به " جرم اشعه ای که از موهایشان تراووش میکند " !!! بقول آقای بنی صدر باید خانه نشین کنند و تمامی همین قوانین جمهوری اسلامی خمینی در جامعه مورد نظر آنان نیز نعل بالنعل پیاده میشود و زن همچنان انسان درجه چندم باقی خواهد ماند، میماند مجاهدین خلق و جمهوری اسلامی مورد نظرشان آنها در عمل ثابت کرده اند که هرگام بسوی قهقرا و سرانجام منجلاب سرمایه داری از نوعی بازرگانی اش غرق شده اند زیرا آنها که زمانی دم از مخالفت با خرافات میزدند، اینک قادرند برای درمان بیماریها دعا بنویسند و با رد شیوه های علمی و افضلیت دم عیسی مانند خود بر علم پزشکی مرده را زنده کنند چنانکه درد کمری که سالها لاعلاج است در پرتو انوار از نواج پر سر و صدای آقای رجوی علاج میشود و بیمار روانی یک دکتر جواب کرده مردم معالجه میشود و... با چنین اندیشه ای و ترکی از جهان تنها می توانند جمهوری هم پیمان خویش بنی صدر را علم کنند و دایره آزادی در این جمهوری بسوی آزادی کامل زنان که قد نمی دهد هیچ بلکه در بهترین حالت در چهارچوب سرمایه داری وابسته مدفون خواهد شد. آزادی زنان در حکومتی میسر است که زمینه های مادی آزادی واقعی را فراهم کند تا زنان این فرصت را داشته باشند که از آزادی قانونی خویش همجوشی مردان استفاده کنند نه آنکه آزادی آنها را کار خانگی و دیگر محدودیت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محدود کند و در اولین گام زنان باید برای برقراری این حکومت که جمهوری دمکراتیک خلق نام دارد تلاش کنند و همبای مردان برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت بلاواطه توده ها از طریق شوراهای رزم خویش ادامه دهند حکومتی که حق برابر آنان

اعتیاد

کنند و عدیدا آنها را مورد استثمار قرار دهند اغاعه فحفا و فساد و بی‌بند و باری و مهمتر از همه پخش مواد مخدر و افیونی در بین نسل آگاه و فعال و متحرک و پویای کشور می‌باشد . رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی هم از این قاعده کلی مستثنی نیست . این رژیم هم به سرمایه‌داران خدمت می‌کند و منافع آنها را تامین می‌کند . پس دشمن کارگران و زحمتکشان است و برای اینکه بتواند بیشتر سیطره اهریمنی خود را در جامعه حفظ و تداوم بخشد نیاز به آن دارد که به نحوی فعالین جامعه را از هستی ساقط و آنها را در کام لجنزار اعتیاد و سایر مظاهر فاسد جامعه سرمایه‌داری غرقه سازد . امروز اعتیاد بصورت یک غول وحشتناک در جامعه درآمدی است . هزاران خانوار اده در چنگال اهریمنی این دیو اسیر و به بند کشیده شده‌اند . هزاران کانون گرم و پر محبت خانواده در اثر ابتلا به این ماده از هم پاشیده شده است . به آمار جنایات نزدیکها و قتل و کشتارها افزوده شده است ، ناامنی و ناامیدی بر خانواده‌هایی که افرادی از خانواده‌شان با این سم آغشا هستند حاکم گشته است . سیاست‌های ضد مردمی رژیم در زمینه تشدید فقر و بدبختی و بیکاری به تعدید این مسائل دامن زده است . روزی نامه رژیم هر از چندگاهی آمار اعدام قاچاقچیان را در این زمینه منتشر می‌کند و با آب و تاب خیر از کفصصها تن مواد مخدر پخش می‌کند . ولی باز دیده می‌شود که نه تنها این مسئله محدود نمی‌شود بلکه بالعکس دامنه آن روز بروز گسترش پیدا می‌کند . رژیم‌های سرمایه‌داری خود پایه و اساس بوجود آورنده نیستی و تباهی در تمام اشکال آن برای توده‌ها هستند . باید باندهای توزیع کننده را در میان مقامات و گردانندگان حکومتی جستجو کرد . سر نخ اصلی آنجاست . حکومتی که سرکوب می‌کند زندان می‌سازد مجهل و فقر و بیسوادی را گسترش می‌دهد . دشمن هر نوع آزادی و فرهنگ و ادب و هنر مترقی و انقلابی است . در ماهیت آن نیست بتواند مواد

مخدر را ریفه کن سازد ، نسل جوان را اصلاح و تربیت کننده فرهنگ جامعه را تمالی بخشد ، با مظاهر فساد در همه اشکال به ستیز برخیزد و بیست جامعه عاری از هر نوع آلودگی سازد . پس می‌بینیم که تحت حاکمیت رژیم‌های سرمایه‌داری علاوه بر فساد در سایر زمینه‌ها اعتیاد و گسترش آن و روی آوری به آن زیاد است . علت آن را باید در تفاهای اجتماعی مشاهده کرد که در یک طرف ثروت انباشته شده و در طرف دیگر فقر و محرومیت و نداری بچشم می‌خورد . رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی الحق که در تمام زمینه‌ها رکورد را شکسته است حتی خود رژیم خیر از میلیونها نفر معتاد میدهد . خیر از انتقال معتادین به جزیره ، دستگیری در کوچه و خرابه‌ها شلاق زدن و تمیز معتادین ، مردن در بیخوله‌ها ، آمار افزایش سرقتها و دزدی و قتل و جنایت در جامعه ، فحشا ، بیابا بقه ، همگی عناوین و تیتراهای هستند که همه روز در روزی نامه‌های جیره‌خوار رژیم منعکس می‌گردد و سبب تمامی اینها هیچ کس جز رژیم پوسیده جمهوری اسلامی نیست . رژیمی که جامعه را می‌خواهد به قرون وسطی سوق دهد . رژیمی که در تمام زمینه‌ها عرصه را بر مردم تنگ نموده است . رژیمی که دشمن آگاهی و آزادی و مبلغ فرهنگ خرافه و جهل است . رژیمی که فقر و بدبختی را رواج میدهد و از منافع مستقیم سرمایه‌دار غارتگر و زمیندار مزدور که جلگی استثمارگر هستند دفاع و حراست می‌نماید و همین رژیم اعتیاد را گسترش میدهد تا از تعرض نسل انقلاب ، نسل بیداری و آگاهی در امان بماند .

در بلوچستان که مردمی محروم ، فقیر و عقب افتاده از نظر سطح فرهنگی زندگی می‌کنند ابعاد دامنه اعتیاد وحشتناک است . پس از قیام افراد زیادی در اثر افراط در استعمال مواد مخدر کشته شده‌اند . خانواده‌های زیادی بوده‌اند که متلاشی و یا به نیستی کشیده شده‌اند . قیافه تکیده انسانهایی مفلوک ، بی‌اراده و ست عنصر منحصه یک فرد معتاد است و چنین افرادی امروز بر اثر سیاستهای اقتصادی و سیاسی ویرانگر رژیم در منطقه زیادتر شده‌اند . در محله‌های فقیر زاهدان ، در پارک ابرانشهر ،

در کپه‌های چابهار ، در باغهای اطراف سراوان و در نهات محروم زابل با توقهایی برای این افراد وجود دارد و در تمامی نقاط میتوان این انسانها قربانی شده را مشاهده کرد . قربانی فقر و بیکاری ، قربانی جهالت و بیسوادی ، قربانی ستم سرمایه و قربانی حکومتی مزدور و ست نفا ننده و وابسته به بیگانه روزی نیست که ارگانهای تبلیغی رژیم در منطقه خیر از دستگیری تعدادی قاچاقچی و کشف صدها کیلو مواد مخدر ، از بلندگوهای خود پخش نکنند ، ماهی نیست که تعدادی قاچاقچی در شهرهای استان و بخصوص زاهدان اعدام نشوند ، تمامی قاطعیت رژیم در امر مبارزه با اعتیاد متوجه قاچاق فروشان جزء و یا کما نیست که از روی بیکاری و فقر برای قاچاق فروشان اصلی کار میکنند . مثلا در دیماسه ۶۴ در منطقه زابلی ماعین حامل سیگاری که از راه سرباز عازم بسکوه و خاش بوده به رگبار بسته میشود و یکی از سر نشینان ماعین کشته میشود با در منطقه پیرآباد بسیدآباد کسی که گازوئیل حمل میکرده در اثر غلیظت زاندرها ماعینش واژگون و آتش می‌گیرد و راننده در انبوه آتشها جزغاله میشود . اینها نمونه‌های کوچکی از عیوه باصطلاح مبارزه رژیم با قاچاق است در حالیکه مزدوران سرکوبگر رژیم در منطقه خود یکی از عاملین پخش مواد مخدر و بویژه هروئین هستند . حاجی بهرام مزدور که تا بحال چند دفعه در بامی استار افشا شده یکی از سران باند پخش و توزیع هروئین در منطقه است .

ملک سپاهیان یکی از مزدوران بسیج منطقه سراوان که قبلا در کمیته بسوده و اخیرا از مزدوران بسیج بخشان است در دیماسه امسال با یک کیلو مواد مخدر و یک عدد کلت دستگیر میشود .

مزدوران باسگاه بسیج اسپنج مستی لعین و معتاد و قاچاق فروش هستند و در فروش مواد مخدر رسوای خاص و عام هستند . کمیته‌ایها در کنار دامن زدن به فساد و فحشا این ماده سمی را هم با قیمت نازل پخش و توزیع می‌کنند . قاچاقچیان اصلی و سران باندها همیشه رشوه به مقامات مسئول میدهند و با خیال راحت به کار خود مشغول هستند



ابراز نفرت خویش از رژیم آنرا بکار میگیرند - و رژیم که از دیدار مردم وحفت می‌کند و از هرگونه تماس مردم با یکدیگر بوی قیام را احساس می‌کند در سر آرزوی پراکنندگی و دلسفولسی آنانرا می‌پرورد . اما غم و کینه مردم نسبت به رژیم و جنگ و تمامی مظاهر فقر و بندگی در این نظام دید و بازدید عید را به کانونهای افشاگری علیه او تبدیل نموده و جنایات او را برملا می‌سازد ، از اینرو هرچه بیشتر به اجتماعات دید و بازدید باید شکل سیاسی داد و اگرچه امروز هیچ سخنی جدا از نفرت توده‌ها نسبت به رژیم نیست اما ضرورتا باید در سمت و داندن به این اعتراضات کوشید و دوستان و دشمنان انقلاب را در این مرحله معرفی نموده به تبلیغ مطالبات انقلابی پرداخت خواهسته‌ها و شعارهای روشن انقلابی را بمیان توده‌ها برد . و برنامه حداقل سازمان را بعنوان محور تبلیغ قرار داد و از آنان خواست تا حول این برنامه متشکل شوند و برای حاکمیت بلاواسطه خود از طریق شوراهای مبارزه کنند و کارگران علاوه بر پافشاری بر این خواسته‌های مشترک برای اعمال هژمونی خود بر جنبش و نیل به پیروزی قطعی آن و گذار به سوسیالیزم متشکل شده و تلاش ورزند . تا بهار خسته کارگران و زحمتکشان نیز فرا رسد و ریشه فقر و نکبت و سیه‌روزی بخشکند و خوشبختی مردم شکوفه زند .
خسته باد بهاران بر کارگران و زحمتکشان .

بهاری که جز با قیام نمی‌آید .
بهاری که جز با نو شدن جامعه و تغییر انقلابی آن فرا نمی‌رسد . اما قرابت جمهوری اسلامی با کهنگی ، فقر و بیکاری ، مظلوم و ستم و ... و هر آنچه که به گذشته مربوط است از او هیولایی ساخته است که با هرگونه تغییر ، با هر گونه نو و هرگونه تازگی و طراوت و تمامی مظاهر جامعه نو به ستیزه برمیخیزد . عقب ماندگی تاریخی اش

بهار از جنس بهار



باعث میشود که حتی به نو شدن طبیعت و بهار نیز تنگ نظرانه کینه بورزد و علاقه مردم را نسبت به بهار که از علاقه و شوق غریزی آنان به نو شدن و تغییر و شادیهای گم عدمان در لابلا ی ستکاری حکومتیان سرچشمه می‌گیرد ، تحقیر کند و کف بر لب بساط شادی هر

چند کوچک مردم را هر اندازه کمسوری هم باشد تحمل نکند . و آنرا ذهن کجی به موجودیت خویش بر شمارد و با چنگ و ناخن با هزاران ریمان پوسیده ارتجاعی خویش زبونا نه تلاش می‌کند جامعه را به ادوار دور تاریخی بکشد یا حداقل در وضع موجود نگهدارد . امروز که مردم این دشمن تاریخی خویش را شناخته‌اند از روی تمرد و با قلبهایی مملو از کینه به رژیم ، آتش جشن بهار را افروخته‌تر نگه میدارند و چونان وسیله‌ای برای

کهنه‌ها نو می‌خوند . انبوه پرندگان سرست از تازگی و طراوت این شکفتگی ، آواز می‌خوانند و جوانان مردمی که در یک انقلاب عمیق اجتماعی پیروز شده باشند سرازیر نمی‌شوند . این حکایت تاریخ است که هر چیز تغییر می‌کند و هر کهنه‌ای نو می‌شود . بدینسان طبیعت نیز دگرگون شد و زمستان شکست و بهار می‌آید . اما امسال نیز چون سالهای قبل زیر بار گران فقر و بیکاری و گرانی و رنج و بیماری آب‌خوش از گلوی زحمتکشان پائین نرفت . نهرهای خون فرزندان دلاور خلق جاری وزندان قرون وسطائی شاهد شکنجه‌های وحشیانه آنان توسط پاسداران رژیم جمهوری اسلامی بود . هنوز کارگران توسط سرمایه‌داران زالوصفت خونشان مکیده میشود و باران گلوله‌های سنگین بر فراز شهرها و روستاهای ما از قبیل جنگ ارتجاعی و خانمان برانداز سرمایه‌داران همچنان می‌بارد . مجنوب ویران است و مردمش آواره ، و از جنگلهای سرسبز شمال بوی خون می‌آید . کارخانه‌ها زندان اند و شهرها زندان بلوچستان و کرستان در خون می‌تپد و اما تن به دیکتاتوری سپرده نمیشود . جدال روزافزون مردم با رژیم سرمایه هنوز ادامه دارد . و بهار خلق فرا نرسیده است . بهاری که با آزادی از جنگال رژیم سرمایه فرا خواهد رسید . روزی که نیروهای سرکوبگر منحل شوند و خلق مسلح پاسدار منافع خویش باشند . روزی که دربهای آهنین زندان باستان نیرومند خلق شکسته شوند و کبوتران خونین بال‌آزادی رها گردند . روزیکه تفتیش عقاید و شکنجه از بین برود و از سرنیزه اختناق و سرکوب‌خبری نباشد . روزیکه حق داشته باشیم آزادانه سخن بگوئیم و حق همه ملیتها در تشکیل دولت مستقل تا سرحد جدائی به رسمیت شناخته شود . همه تبعیضات نژادی و جنسی از بین بروند و زنان با مردان حقوقی برابر داشته باشند . روزیکه از ارتش امپریالیسم ساخته و ارتجاع‌خبری نباشد و جدائی دستگاه منهب از دولت برسمیت شناخته شود و جای حکومت جمهوری اسلامی را جمهوری دمکراتیک خلق بگیرد و ...

کد

ارگان سازمان چریکهای
فدایی خلق ایران

را بنویسید

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

ارزیابی

مردم روز بروز در تجربه عملی آگاهی کسب کرده، مبارزاتشان را عمیق و زرقا می‌بخشند، در ارگانهای خاص خود تشکل و سازمان می‌یابند و سرانجام چون سیلی خروشان و بتیان کن به حرکت درآمده تا ریشه جهل و فقر و ستم و استثمار را بکشند. در این راه وظیفه‌ای سنگین و حیاتی بر دوش پیشرو انقلابی احساس می‌شود. تنها سازمانی قادر است در این کارزار سهمگین پرچمدار این نبرد باشد که با توده‌ها ارتباطی ارگانیک و تنگاتنگ داشته در مبارزات روزمره آنها شرکت فعال و مستقیم داشته به سازماندهی مبارزه پرداخته و در نهایت دادن رهنمودهای عملی و مشخص به توده‌ها و سمت و سو دادن به مبارزات انقلابی آنها در راستای سرنگونی انقلابی رژیم فعلانه کوشش کند. چنین سازمانی باید با تحلیل مشخص از شرایط مشخص جامعه دارای یک خط و منی و برنامه انقلابی باشد. با بررسی و تحلیل دقیق حوادث و رویدادهای جنبش‌گره‌های ناگودنی را گنوده و در ارتباطی زنده و پویا و ارگانیک با توده‌ها قرار گیرد. آنها را متناسب با شرایط موجود سازماندهی کنده در ارتقاء مبارزه به اشکال کیفی و عالیتر جدیت و وزد و مبارزه‌ای با برنامه با پشتوانه نیرومند و بسیج زحمتکشان به سمت جلو سوق دهد.

شرایط متلاطم و متحول کنونی جامعه روز بروز بر بیداری و آگاهی توده‌ها می‌افزاید، بر خشم و کینه‌شان نسبت به عملکردهای بی‌فایده ارتجاعی رژیم فزونی می‌بخشد و روز بروز آنها را به این مسئله اساسی و اصلی واقف می‌کند که عمده‌ترین سد راه و چاره حل مشکلات عدیده کنونی وجود منحوس رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد. نفعیت کارگران و زحمتکشان روز بروز نسبت به مطالب رژیم آگاهتر شده و با پوست و گوشت خود در زندگی خود ظلم و جور و ستم این رژیم تبهار را احساس می‌کنند و این دانستن‌ها و وقوف یافتن خود نشانه بارز رشد و گسترش

انقلاب به جلو است. انقلاب سیر صعودی را آغاز کرده و در این راه بلاوقفه به پیش می‌تازد. البته با توجه به رشد ناموزون تکامل سرمایه‌داری در جوامعی با ساختار اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری وابسته درجه آگاهی و تشکل توده‌ها متفاوت است، در بعضی جاها مبارزه از شدت و حدت کافی برخوردار است و حرکت انقلابی سیر شتابانی بخود می‌گیرد ولی در بعضی مناطق بعلمت عدم رشد نیروهای مولده، فقدان کارگر صنعتی (پرولتاریا) و عقب ماندگیهای فر-هنگی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی مبارزه آنچنان گسترده و پیردامنه نیست. ولی در همین مناطق هم بحران عمومی، تضادها و عملکردهای فاشیت‌رژیم آتش مبارزه را دامن می‌زند، توده‌ها را به عرصه فعالیت سیاسی می‌کشد و بیداری توده‌ها خود آنها را به مبارزه و انقلاب بفرامی‌خواند. بلوچستان و سیستان در زمره نوم هستند - جهت بررسی و تحلیل دقیق از مبارزات زحمتکشان منطقه و نفعیت آنها نسبت به رژیم و مسائل میرم و حاس جامعه بای استار بر اساس گزارشات و اخبار و ارقامی که تا بحال به دسترس رسیده در صدد جمع‌بندی از وضعیت منطقه می‌باشند. هرچند علت جو پلیسی حاکم بر منطقه و وجود اختناق و سانسور و فشار این گزارشات نمی‌تواند تمام آن چیزی باشد که باید می‌بود ولی بهر حال همین گزارشات که مفتی نمونه خروار است نشان میدهد که زحمتکشان منطقه علی‌رغم سطح آگاهی سیاسی پائین نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی به سیاست‌های ارتجاعی رژیم تمکین نکرده و نارضا - یتی و اعتراض خود را بکرات و در موارد متعددی علیه این سیاستها در حرکاتشان نشان داده‌اند. هرچند که رژیم تا بحال جواب هرگونه حرکت اعتراضی و مقاومت توده‌ای را بازندگی و گلوله و سرکوب و حیثانه پاسخ داده است و در شرایطی که عدم تشکل و بی‌سازمانی توده‌ها را رنج میدهد و در موارد متعددی فقدان یا ضعف رهبری انقلابی در سمت و سو دادن به حرکات اعتراضی توده‌ها مشهود بوده است. که این خود نشانگر این می‌باشد که پیشرو انقلابی و کمونیستی علی‌رغم

تلاش و مبارزه نتوانسته بطور هماهنگ در رهبری مبارزات پراکنده توده‌ها نقش انقلابی خود را ایفا کند. این نقیصه در شرایطی که توده‌ها توهمی به رژیم نداشته و روز بروز اعتراضاتشان بیشتر علیه رژیم شکل می‌گیرد اگر بر طرف نگردد ضرباتی جدی به دامنه گسترش و پروسه پیروزی انقلاب وارد می‌کند.

برای اینکه بهتر بتوانیم توده‌ها و ظرفیت‌شان (نقطه ضعف و قوت) را بشناسیم و روحیه مبارزاتی و علایق آنها را بهتر بشناسیم، جمع‌بندی حول محورهای زیر را بررسی می‌کنیم. این بررسی حاصل بیش از ۱۰۰ گزارش می‌باشد که عمدتاً حرکات و اعتراضات افسار مختلف خرد و بورژوازی را در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه در منطقه مراکز صنعتی و طبعا پرولتاریا وجود نداشته و آنجائی هم که وجود دارد (محدود و کم) بستر و خاستگاهی نهقانی داشته و حرکات اعتراضی قابل توجهی تا بحال از خود بروز نداده‌اند. این بررسی شامل اشکال مبارزات، درخواست‌ها و نحوه سرکوب و نتایج آن می‌باشد که با تقسیم‌بندی مشخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نقش پیشرو در حرکات و یا عدم نقش آن نیز در نظر گرفته شده است.

۱- کارگران:

با توجه به عدم رشد نیروهای مولده در منطقه و سیاست‌های ضد مردمی رژیم شاه و جمهوری اسلامی، منطقه فاقد کارخانجات صنایع و سایر رشته‌ها حیاتی تولیدی می‌باشد و در نتیجه از کارگر به مفهوم خاص آن (پرولتر) خبری نیست. بجز چند مورد که از جمله میتوان از بافت بلوچ نام برد. با توجه به این حقیقت که کارگران بافت بلوچ اکثراً زمینه نهقانی داشته و فاقد تریک طبقاتی و یا علمی بوده گرچه بعد از قیام عده زیادی از روشنفکران انقلابی بدرون این نهاد رفته و آنجا روشنگری نموده و کارگران را به ماهیت رژیم و ایده‌های انقلابی آشنا نمودند. اما پس از ۳۰ خرداد و

۴۰ ساعت کار، دوروز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

ادزیابی

اخراج و دستگیری فعالین سیاسی شناخته شده و اعمال نفوذ انجمنهای اسلامی کارگران بافت از خود حرکات اعتراضی چندان نشان ندادند. ولی بسرور و با شکستن جو رعب و وحشت گاهگاهی صدای اعتراض خود را نه به شکل اعتصاب و یا تحصن بلکه با نوشتن شعارهای ضد رژیم و مرگ بر سرمدارک رژیم آنهم بر ترو دیوار و یا داخل نستوشنها ابراز کرده اند. در یکی از گزارشات آمده که کارگران شعاره " شعار هر کارگر اطاعت از امام است " را به شکل " شعار هر کارگر مرگ بر امام است " را در می آورند که غم و غضب مرتجعین مدیریت و انجمن اسلامی را بر می انگیزد. ضعف پیشرو در عدم ارتباط گیری با توده های کارگر و عدم فعالیت گسترده انقلابی در محدوده مکانی آنجا (ایران شهر) تاثیر نامطلوبی در رشد و آگاهی آنها دارد. در منطقه کارگران بخش خدمات هم بوفور یافت می شوند. هرچند پراکنده و دورانور هم. این کارگران که تحت استثمار شدید از نظر طاقت فرسا بودن کار و مزد کم و شرایط نامطلوب ایمنی کار دارند تا بحال حرکت اساسی از خود بروز نداده اند. سیاستهای ضد کارگری رژیم که بر طبقه کارگر اعمال میشود شامل این قشرها هم شده و آنها را در فقر و مسکنت و تنگدستی قرار داده است.

۲- مدارس و دانشگاهها :

مدارس و دانشگاهها یکی از کانونهای گرم و پر جو و خروش فعالیت انقلابی و سیاسی در منطقه بوده است. این اقشار که زمینه جنبشهای انقلابی تحریک لازم را داشته بعد از قیام تا مقطع ۳۰ خرداد با حرکات و اعتراضات خود عرصه را بر سیاستهای ارتجاعی رژیم در مدارس تنگ کرده بودند. پس از ۳۰ خرداد و جو ترور و وحشت و دستگیری دانش آموزان و دانشجویان پیشرو و انقلابی و شناخته شده برای رژیم موج اعداها و دستگیریها در مدارس و دانشگاهها فزونی گرفت. پس از آن یکدوره عقب نشینی شروع شد.

هرچند دانش آموزان و دانشجویان از رژیم بیزار و متنفرند ولی هنوز خود را باز نیافته و حرکات اعتراضی خود را بطور گسترده آغاز نکرده اند. نقش ضد انقلابی امور تربیتی انجمنهای اسلامی در مدارس و جهاد دانشگاهی در دانشگاهها و مسئولان حزب الهی و ایجاد جو رعب و وحشت توانسته این اقشار را در مقطعی محدود نماید اما تا بحال گزارشات از حرکات اعتراضی دانش آموزان داغته ایم. در گزارشی آمده است اعتراض یکپارچه دبیرستان دخترانه بنت الهدی بخاطر انتقال رئیس و معاون دبیرستان که با شعار مرگ بر جاسوس و مرگ بر خبرچین فریاد اعتراض خود را بلند می کنند حرکت با مداخله سپاه سرکوبگر و دستگیری عده ای پایان می یابد. در گزارش دستگیری از دانشگاه بلوچستان می خوانیم اعتراض دانشجویان به گرانی غذا در سلف سرویس و شکستن شیشه های محوطه که این حرکت صنفی بعد از ۳۰ خرداد تا بحال اولین حرکت دانشجویی بوده است. گرچه اکثر شهدا و زندانیان بلوچستان را دانشجویان تشکیل میدهند حرکاتی مانند اعتراض به بدرفتاری علیه دانشجویان دختر به بهانه بی حجابی و غیره هم صورت گرفته که پی گیری و تداوم نداشته و جرقه وار شروع و سپس خاموش گردیده است. هرچند رژیم در منطقه از نا آگاهی دانش آموزان کمال استفاده را کرده و آنها را بزور و فریب و تحمیل به جبهه ها گسیل داشته ولی این روند تا زگیها کند شده و رژیم نمیتواند مثل سابق قریب نیان خود را از میان دانش آموزان (حتی مدارس) انتخاب کند. در گزارشی از مدرسه آزادی چنین آمده است: مسئولان رژیم از دانش آموزان خواسته اند که هرچه از ستان برمی آید به جبهه ها کمک کنند ولی دانش آموزان نتخالی به مدرسه میروند. چند روز بعد اولیا دانش آموزان توسط انجمن خانه و مدرسه دعوت میشوند و از اینکه به فرزندان نشان پول برای کمک نداده اند مورد بازخواست قرار می گیرند. با توجه به ضعف پیشرو و عدم وجود تشکلهای مخفی در مدارس موج سانسور و خفقان و اختناق بر آموزشگاهها، متأسفانه چنانکه باید دانش آموزان نتوانسته اند نفسی فعال و انقلابی در شرایط حساس کنونی علیه رژیم ایفا کنند. هرچند نفرت

از رژیم توده گیر شده ولی این نفرت و بیزاری خود را در عملیات اعتراضی و حرکات علیه رژیم بجز مواردی کوتاه و محدود نشان نداده است. این معلومها زائیده این است که اکثر معلمان، دانش آموزان و دانشجویان فعال و سیاسی دستگیر و اعدام شده اند و رژیم در مدارس جو اختناق شدیدی برقرار کرده است.

۳- ادارات (موسسات دولتی) :

ارگانهای سرکوب و جاسوسی انجمن اسلامی در ادارات نقش سرکوبگرانه ای برعهده دارند. موج اخراج و دستگیری پس از ۳۰ خرداد در منطقه گریبانگیر عمدتاً اقشار آگاه ادارات شد و طیف وسیعی اخراج و در مواردی بازداشت و اعدام شده اند. وحشت از اخراج شبی است که همیشه بر سر کارمندان چون بختکی فرود آمده است. اما کارمندان که تحت فشارهای اقتصادی شدید قرار دارند به اشکال مختلف ناراضی خود را علیه رژیم سرکوبگر نشان داده اند. در گزارش آمده است بخاطر اخراج تعداد زیادی از کارمندان شرکت هواپیمایی، کارمندان اخراجی تجمع وسیعی جلوی شرکت (سرواز خاوه جنب هتل گاندی) ایجاد می کنند که خود افشاگر بوده و سمیاتی ساینده را جلب می کنند. در اثر این حرکت اعتراضی مسئولین عقب نشینی می نمایند و تعداد زیادی را به سرکار برمی گردانند و حدود ۴۰ نفر را اخراج می کنند. پدر ۲ نفر از اخراجیها بخاطر تربیتی فرزندان خود کشی می کنند. در گزارشی می خوانیم در چند ماهه آخر سال ۳۳ جمعا حدود ۲۰۰ نفر از کارمندان و کارگران شهرداری و راه و ترابری و وزارت کار اخراج میشوند. تعداد زیادی از اخراجیها طوماری تهیه کرده و به مسئولین صدها بنام مراجعه کرده اند ولی تا بحال موفق نبوده اند.

تشدید بحران اقتصادی و فقر و فلاکت گریبان این اقشار را هم شدیداً گرفته است. یکی از کارکنان اداره ای که عصرها با ماعین مسافرکشی می کند می گفت اگر نتوانیم عصرها کار کنیم چند روز حقوق دولت کفاف نان شب ما را هم نمی کند. هرچند تا بحال کارمندان در منطقه اعتراض و مقاومت





ارزیابی

و فلاکت و سیدروزی توده‌ها مشاهده می‌شود. رژیم برای اینکه حرکات اعتراضی را کنترل و یا بقول خودش اغلالگر-ان و آشوبگران را شناسائی نماید، در محلات مزدوران خود را به عنوان ستا-جر جای میدهد. در گزارشی می‌خوانیم: در مجتمع مسکونی جام جم که صد ها خانوار بصورت دستجمعی در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند رژیم برای اینکه بتواند آنها را کنترل کند در هر مجتمعی ۱ یا ۲ نفر از مزدوران را به شکل خانواده‌ای در میان آنها جای داده است. هواداران سازمان در چند مورد در این محله و مجتمع پخش داشته‌اند. حتما این باعث شده که رژیم بفکر این حيله ضدانقلابی بیفتد. با تبلیغ هسته‌ها و کمیته‌های مخفی مقاومت در محلات حرکات اعتراضی توده‌ها در محلات را سازمان نهم.

۵- روستاها:

با توجه به اینکه روستائیان سیستان و بلوچستان از محرومترین اقشار جامعه هستند. و در تحت لوای حکومت خمینی جنایتکار حال و روزشان از قبل هم بدتر شده ولی این زحمتکش با پوست و گوشت سیاستهای ضد مردمی رژیم را لمس و درک می‌کنند و تا آنجا که آگاهی و توانشان یاری رسانده با رژیم به خصومت و دشمنی برخاسته‌اند. اما نکته دیگر عدم آگاهی، تشکلی و انجام یافتگی در بین اقشار می‌باشد. عقب ماندگی فرهنگی سیاسی، اقتصادی و نهضت منعی عدم انعطاف پذیری در برابر ایده‌های انقلابی و کار سیاسی روشنگران همه و همه باعث شده که روستائیان این منطقه از نظر اقتصادی و سیاسی در یک فقر مفرط بسر برند. هرچند در عمل و تجربه تا حد زیادی قادر به شناخت رژیم و مزدوران شده‌اند. اما این شناخت نه معلول آگاهی و سیاست بلکه زائیده تجربه و پراتیک میباشد. گزارشی که نشانگر رشد روحیه اعتراضی می‌باشد نشان میدهد که روستائیان تا رسیدن به شناخت و درک لازم و کافی راهی طولانی دارند. ضعف

داده است. در گزارشی می‌خوانیم نروبه روی مجتمع مسکونی جام جم مفازه مرغ فروشی قرار بوده تخم مرغ و مرغ تحویل نهد. صد ها نفر صفتها نند. بعد از چند ساعت به تعداد زیادی نمرسد و سهمیه‌ها هم تمام می‌شود. دادو فریاد و اعتراض از همه سوبلند می‌شود. مفازه‌دار از ترس درب مفازه‌ها را می‌بندد. اینک صفا‌ها به محل صحبت و ردو بدل کردن اطلاعات و اخبار بدل شده و مردم حتی در سر صفا‌ها علنا به خمینی و مزدورانش بدو بیراه می‌گویند. رژیم و مزدورانش بی‌شرمانه مردم را مورد چپاول و غارت قرار میدهند. در گزارشی می‌خوانیم شهردار ابرانشهر جهت خودکفائی شهرداری از مردم و بویژه بازاریان و کسبه می‌خواهد که هزینه نخل و خرج این دستگاه را تامین کنند ولی با مقاومت یکپارچه مردم مبنی بر عدم حمایت روبرو می‌شوند. سپس مزدوران خود را برای جمع کردن بساط کسبه جزء روانه نموده و آنها اجناس را جمع و خود افراد را دستگیر و پس از شلاق زدن و جریمه آزاد می‌کنند. این اعمال ضد انقلابی تنفر توده‌ها را در پی داشته است. هرچند اکثر اعتراضات مقطعی و کوتاه مدت بوده و فوراً می‌خوابد ولی نشان میدهد که مردم به تجربه عملی که کسب کرده‌اند از رژیم و کارگر-اران بیزارند. در چند مورد در شهر زاهدان مردم به نامرغوبی اجناسی مانند تاید و مایون اعتراض کرده و صدای خود را بلند کرده‌اند. در شرایطی که قیمتها مسترا بالا می‌روند و سیاستهای اقتصادی رژیم ویرانگری به بار می‌آورد روحیه انقلابی هم بالا می‌رود و صدای اعتراض و فریاد توده‌ها از این ستمگریها بلند میشود. در گزارشی می‌خوانیم: هنگامی که مامور آب و برق قبض را تحویل صاحبخانه میدهد مرقم بالایی مبلغ نوشته شده، فریاد اعتراض او را سبب میشود و حتی به مامور هم پرخاش کرده و بدوبیراه می‌گوید. در موارد متعددی به علت عدم پرداخت پول آب و برق و تلفن از طرف رژیم آب و برق و تلفن را قطع کرده‌اند.

با توجه به تداوم بحران اقتصاد و تشدید آن و سیاستهای استثمارگران اقتصادی رژیم چشم انداز تشدید فقر

علنی و آشکار کمتر داشته‌اند ولی مبارزه را به شکل مبارزه منفی مثل عدم شرکت در مراسم فرمایشی و نمایش رژیم و چه به شکل شعارنویسی در ادارات به پیش برده‌اند. در چنین راستائی است که از ساوا ما دستورالعملی به ادارات و نهادهای دولتی صادر شده تا فعالیت ضدانقلابی در ادارات را کنترل و سبب آن را دستگیر و معرفی می‌نمایند. در گزارشی می‌خوانیم تریکی از ادارات شهر خاش از طرف ساوا ما و مسئولین انجمن اسلامی به تنی چند از کارکنان پیشنهاد می‌شود که با آنها همکاری و اطلاعاتی را در اختیارشان قرار نهد. که کارمندان مزبور بددت امتناع کرده و این عمل را تفسیح می‌نمایند. عدم امنیت شغلی کارمندان همیشه آنها را آزار داده است و این یکی از سمدای عملی است که آنها را نگذاشته علیه رژیم و سیاستهای ارتجاعی آن در ادارات و نهادهای دولتی اعتراض وسیعی کنند. در گزارشی می‌خوانیم در یکی از ادارات فرمهای چاپی به کارمندان داده میشود تا مبلغی را جهت کمک به جیبه‌ها در آن بنویسند. همه کارمندان مبلغ ۱۰۰ ریال و ۵۰ ریال می‌نویسند که صدای داد و فریاد رئیس بلند میشود. آنها بزور برای جنگ می‌خواهند کمک از کارمندان بگیرند و کارمندان با پرداخت مبلغ ناچیز خود را از تیررس اخراج و ر مه‌بازند.

۶- محلات:

حق اشتراك تلفن از ۴ هزار به ۱۴ هزار تومان در استان رسیده است. ورشکستگی اقتصادی تهی شدن خزانه دولت، تداوم جنگ ارتجاعی برنامه فقر و بدبختی افزوده است. در گزارشی می‌خوانیم برای آمبول زدن هر نوبت در سراوان ۱۰ تومان از مریض پول می‌خواهند. در گزارشی دیگر می‌خوانیم جهت اسفالت کوچه و خیابانها مردم محل باید هزینه آن را بپردازند. پول آب و برق و تلفن چند برابر سابق باید پرداخت شود.

در شرایطی که تورم، گرانی، کمبود، توزیع ناعادلانه کالا بی‌سداد می‌کند رژیم با اتخاذ سیاستهای اقتصادی مورد دلخواه سرمایه‌داران مردم را در تنگنا و فشار بیشتر قرار

ارزیابی

جبهه‌های جنگ ضد خلقی نقی بسزاداعته است.

در گزارشی از حرکات اعتراضی و روحیه انقلابی روستائیان آمده است: مزدوران رژیم جهت گرفتن کمک برای جبهه‌ها به روستای اسپیج در سراوان می‌روند و از مردم می‌خواهند که به آنها کمک کنند. مردم هم با عدم کمک و روی گردانیدن از آنها مشت محکمی بر نهان آنها می‌کوبند تا جایی که رژیم هنوز هم جرات نمی‌کند برای گرفتن کمک به آن روستا مراجعه کند.

گزارشات زیادی از عدم اشتیاق روستائیان به سربازی و فرار کردن و رفتن حتی به خارج دریافت شده و همگی موبد این نظریه است که روستائیان هم دلشان نمی‌خواهد در جنگ ارتجاعی رژیم قربانی شوند. هرچند رژیم با یورشهای وحشیانه خود به روستاها تا بحال افراد زیادی را تحت عنوان مشمول به سربازی برده است در این رابطه در گزارشی آمده است که فرمانده پاسگاه شاریک یکی از مشمولین را که در صدد فرار بوده میکشد اعتراض وسیع توده‌ها علیه این اقدام جنایتکارانه باعث میشود که فرماندهی را از پاسگاه به جابهار منتقل کنند. در مجموع گزارشهای دریافتی نشان میدهد که هرچند حرکات خودبخودی و فاقد آگاهی است ولی در صورت کار در میان آنها و انشای سیاستهای ارتجاعی رژیم با توجه به عملکرد ضد انقلابی رژیم در همه ابعاد آن سیاستهای رژیم امکان کار فعلی خود را هم در روستاها از دست خواهد داد.

قحطی اخیر روستاهای اطراف ایرانشهر و جابهار و فقر و فلاکت بلوچهای عشایر ساکن این مناطق و عدم حمایت رژیم از افرادی که آواره و سرگردان به شهرهای جابهار و ایرانشهر روانه شده‌اند چهره ضد مردمی و عوام فریب رژیم را بخوبی نشان میدهد.

هرچند روستائیان قحطی زده تا بحال حرکت وسیع و هدفمندی از خود در جهت اعاده حقوقشان نکرده اند و با توجه به سطح آگاهی آنها این توقع هم نمی‌رود که علیه رژیم حرکتی بکنند. حرکتی که صورت گیرد غریزی و خود بخودی است.

در این مدت حرکتیهای نهانسی هم صورت گرفته است. در گزارشی از زابل چنین آمده که کشاورزان منطقه به علت اینکه به آنها اجازه نداده‌اند

نفس ارگانهای تحمیلی و جاسوسی مثل جهاد سازندگی و عوراهلی اسلامی در زمینه تعمیق و فریب روستائیان با توجه به شمارهای کاتب مستضعف پناه آنها در عقب ماندگی روستائیان بی تاثیر نبوده است.

در گزارشی آمده است برای شرکت در کلاسهای آموزشی و سپس شرکت در جبهه توسط سپاه سراوان از روستائیان دعوت بعمل می‌آید ولی حتی به تعداد ناگشتا دست هم کسی شرکت نمی‌کند. عدم حمایت مردم چشمگیر بوده است. در گزارشی دیگر می‌خوانیم پایگاه روستای بخشان شبها افراد را مورد بازجویی قرار میدهد و هویت آنها را جویا می‌شود. در یکی از این بازجوییها یکی از افراد زحمتکش ناراحت شده و سیاسی محکمی به کمیته می‌زند. وی را گرفته و تحویل سپاه میدهند. این عمل بیانگر خشم و نفرت توده‌ها از رژیم و عوامل رنگارنگی که کاری جز اذیت و آزار توده‌ها ندارند می‌باشد. این پایگاهها اخیرا در سراسر روستاهای سراوان ایجاد شده‌اند.

در گزارشی از زابل پس از شرح وقایع خشکالی و قحطی و بی آبی آمده است که مردم منطقه پس از خشک سالی و از دست دادن احطام و زمینها از طرق قانونی و مراجعه به مسئولین اقدام می‌نمایند ولی هیچ جوابی به آنها داده نمی‌شود. مردم محروم روستاها و زابل تا بحال در مورد شکایت و نامه در این مورد نوشته و لسی اقداماتی از طرف مسئولین انقلابی در جهت رفع تنگناها و مشکلات نشده است.

رژیم برای تثبیت خود در روستاها و پیشبرد سیاستهای خود در منطقه دست به ایجاد و تشکیل عوراهای اسلامی در روستاها زده است. افراد این عوراهای از لایمپنهای هر محله و روستا تشکیل شده و کار آنها جاسوسی خبرچینی می‌باشد. جهاد سازندگی هم در منطقه مروج و مبلغ نقطه نظرات و سیاستهای رژیم بوده و در فرستادن آنها به

میوه‌هاشان را از زابل خارج و بفروشد در فرمانداری تحضی کرده که در نهایت به پیروزی شان منجر می‌گردد. آری حرکت یکپارچه زحمتکشان حتی اگر بر سر خواستی ناچیز هم باعث قریبن موفقیت و پیروزی است.

اعتراض دیگری که توسط زحمتکشان بستان علیه رژیم و عصر عبادی‌خائن صورت گرفت طغیان رودخانه هیرمند و نابودی کلیه مناطق و زمینها و دامهای زحمتکشان بود. رژیم که از خشم توده‌ها می‌ترسید عبادی را با هیبتی برای تسلی و دل مشغولی آنها فرستاد. اما زحمتکشان که داروندارشان را در این حادثه از دست داده بودند به چرندیات عبادی توجه نکرده و خواستار اقدامات عملی شدند. حتی هنگامی که عبادی وعده و وعید دروغین تحویل میداد یکی از زحمتکشان که زن و فرزندان را در این بلای طبیعت از دست داده بود به وی حملهور گردید و بعد از سنگی بظرف فرماندار زابل پرتاب کرد که در نتیجه وی را گرفته و با خود بردند. و لیسنهاست رژیم هیچگونه کمکی به خیل آوارگان و محرومان انجام نداد. حتی رژیم کمکهای مردم و بسیج مردم برای کمک به سیل زدگان را نگذاشت انجام گیرد. عملکرد بغایت ارتجاعی رژیم در روستاها نشان میدهد که این رژیم جز فقر و بدبختی و مسکنت روز افزون چیزی برای روستائیان به ارمغان نیاورده است.

ارزیابی حرکات مسلحانه

شیوه مبارزه مسلحانه در بلوچستان یکی از طرق ابراز خشم توده‌ها نسبت به رژیم است. این شیوه عمدتا بخاطر موقعیت اقتصادی اجتماعی و همچنین جغرافیائی منطقه از سرد و سیمی بطور نسبی برخوردار است. مردم منطقه خصوصا در نوار مرزی و کوهستانها مسلح هستند و در شکلی تاریخی با سلاح پیوند دارند، اگرچه هیچگاه بشکل منجم و سازماندهی شده و هدفمندی تسلیح توده‌ای نتوانسته در خدمت اهداف انقلابی قرار گیرد اما همواره بشکل ناامنی در منطقه برای رژیمهای ضد مردمی مطرح بوده است. خصوصا پس از قیام بطور متوسط ماهی نیست که



ارزیابی ..

اخبار درگیری های مسلحانه در منطقه پخش نموده. تسلیم در منطقه بیشتر در شکل افراد مسلح معنی پیدا می کند تا گروه های مسلح. این افراد بعلمت فقر اقتصادی بی نهایت و بیکاری و ناآگاهی در بسیاری موارد در خدمت کارهای غیرتولیدی از جمله قاچاق تن به مخاطره و درگیری با رژیم می دهند و پاره ای درگیریها در خدمت اختلافات طایفه ای قرار دارد. توضیح اینکه اختلافات طایفه ای در شکل حمایت رژیم در اکثر موارد از یکطرف دعوا به رویارویی مستقیم با رژیم کشانده می شود. شکلی دیگر زیرخورد با رژیم تنبیه جاسوسان و ترور خیرچین هاست که رقم بالنسبه بیشتری را بخود اختصاص داده است. هجوم گاه بگاه رژیم برای خلع سلاح و دستگیری افراد مسلح رقم زیادی از درگیریها را شامل می شود که عمدتا منجر به فرار فرد یا افراد مسلح و شکستن محاصره و درمورد دی دستگیری و عهادت فرد مسلح را بدنیا داشته است. محرمه عملیات عمدتا کوه و روستاهای نوار مرزی و در مواردی به شهرها نیز کشانده شده است. (در شکل آزاد کردن بازداشتی یا مجروح در عملیات مسلحانه از بیماران) و بسیاری از درگیریها بخاطر فرار از تعقیب و گشتن از مرز شکستن محاصره و در شکل تدافعی بوده است. بیشترین رقم کشته شدگان در این درگیریها ی رویارویی با پاسداران و کمیته ایها و سپس به زاندارها اختصاص دارد تاکنون چندین درگیری نیز از جانب نیروهای انقلابی و با هدف و نقش مشخص و در شکلی تعرضی و سازمان یافته صورت گرفته که این حرکات دارای خصلتی تبلیغاتی و سازماندهنده بوده اند و اخبار پخش مسلحانه نیز در چند مورد وجود داشته است و تفاوت این درگیریها با سایر برخوردها مسلحانه در هدفمندی مشخص و سازمان یافته فنگی آن بوده است. بخاطر جلوگیری

از انحرافات و بهره برداری ضدانقلاب مغلوب (در شکل خوانین و سلطنت طلبان رو به افول) و با توجه به شرایط خاص منطقه پیشرو انقلابی ضرورتا به سازماندهی این شیوه مبارزاتی می پردازد و در پیوند با جنبش طبقه کارگر و دهقانان سراسر ایران این حرکات را باید سازماندهی کند. و شیوه مبارزاتی که از سوی خود مردم پیش نهاده شده است پیشرو را موظف به شرکت در این عملیات و سمت و سودادن به آن مینماید. وضعیت پراکنده این درگیریها و ماهیت متفاوت عملکرد این شیوه مبارزه تاکنون نشان ندهنده کاستی موجود در این رابطه است. عمده ترین انحرافی که می تواند در این رابطه در نبود رهبری انقلابی صورت گیرد حرکت مسلحانه کور و بی هدف است که مواردی از آن نیز اتفاق افتاده است و می تواند خوراک تبلیغات تی برای رژیم باشد. و بیاری آن حرکات را لوحت جلوه دهد.

منابله رژیم تاکنون در شکل کوشش در خلع سلاح و ایجاد جاده مرزی و افزایش گشت و پاساها و ایجاد پایگاههای بسیج در اکثر روستاها بوده است. در رابطه با ایجاد این پایگاهها حتی خبر جلوگیری مردم از ایجاد آن نیز در موردی آمده است و همچنین در همه روستاها با خشم و نفرت و عدم استقبال مردم روبرو شده اند. در خلع سلاح نیز خبر موفقیت چندان تاکنون نبوده است و در بعد تبلیغاتی مسئله اشراخ خواندن و نسبت دادن آنان به خوانین و نسبت انجام عملیات راهزنی و گردنه بگیری به آنان کوشش در سرکوب آنان نموده است. همچنین طرح مسئله امان نامه برای تسلیم گروهها و طوایف مسلح نیز یکی دیگر از شیوه های مبارزه رژیم بوده است. و با تمام این ترفتها اگرچه توانسته است ضرباتی بر مبارزات وارد کند اما با افزایش فشار حدت و پیگیری این شیوه نیز بالنسبه سیر صعودی داشته است. خاصه بخاطر بی آبرویی رژیم نزد توده ها تبلیغات او تاثیر چندانی در توده ها نداشته و ناراضی آنان باعث حمایت بیشتر از گروههای

مسلح و خصوما پیشرو انقلابی است. هرچند با فشارهای رژیم استفاده از امتیازات توده های مردم از پیچیدگی خاصی برخوردار می گردد اما خشم و نفرت توده ها پتانسیل بیشتری یافته و درگیریها از حدت و حدت و عمق بیشتری برخوردار می گردد. توده ها اخبار عملیات مسلحانه را در شکلی حماسی و با علاقه خاص در کوتاهترین مدت پخش می کنند. و از مرکز پاسداران خود بحال می شوند.

وظایف پیشرو و پیشاهنگ در منطقه: با توجه به بررسی مختصری در رابطه با توان ظرفیت و آگاهی و عمل انقلابی اقشار موجود در منطقه پیشاهنگ چه باید بکند. هدف ما روشن است. حرکت در مبارزات توده ها سمت و سو دادن به آنها سازماندهی صحیح و ارتقا به اشکال متکاملتر مبارزه، اما آیا توانسته ایم در این راستا گام برداریم، آیا توانسته ایم مبارزات بالفعل توده ها را (برجه و شدت یا ضعفشان مطرح نیست) سازماندهی کنیم، آیا برنامه انقلابیما تراجمی دید توده ها گذاشته ایم هدف از مبارزه را برای آنها شکافته ایم و ... تلاش پیشاهنگ انقلابی و کمونیست باید به این مسائل در بحبوحه پراتیک عینی پاسخ مثبت دهد. می گوئیم توده ها پراکنده اند، بی سازمانند، متحد نیستند، آلترناتیو انقلابی را ننفاخته اند، حضوری فعال و سازمان یافته در مبارزات ندارند، خلاصه چه باید کرد را باید پاسخ دهیم. همه می توانیم و تجارب تاریخی ثابت کرده اند که فقدان یک ضعف رهبری انقلابی در شکست یا پیروزی یک حرکت انقلابی و انقلاب تاثیر شگرفی دارد. پس وظایف پیشرو در منطقه با توجه به عقبماندگی اقتصادی اجتماعی در این منطقه وظایفی سنگین، جدی و حیاتی می باشد. اکثرا اعتراضات خودبخودی و خودجوشی که توسط مردم صورت گرفته فاقد مضمون و سمت گیری روشن و هدفمندی بوده است. در هیچ یک از حرکات و اعتراضات مهربیها هنگ آگاه بر حرکت حاکم نشده است. باید

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

ارزیابی

دنیایی کار انجام داد تا مردم خود و توان عظیم خود را دریابند و به آن وقوف پیدا کنند. باید تبلیغات وسیع و همهجانبه‌ای را سازمان نعیم با بررسی و تحلیل دقیق شرایط منطقه و با اتخاذ رهنمودهای مشخص و عملی پتانسیل توده‌ها را در کانالی صحیح به جریان بیندازیم و توده‌ها را به منافع حیاتیشان آگاه سازیم. با توجه به شرایط اختناق و خفقان موجود و شرایط پلیسی حاکم بر منطقه که بر فعالیت انقلابی تاثیر دارد وظیفه داریم که در چنین جوی بی‌ فعالیت انقلابیمان بیفزائیم، اگر امروز با توجه ضعف و ناتوانی رژیم و توان بالفعل موجود توده‌ها نتوانیم به جلو خیز برداریم فردا بسی نیر خواهد بود.

بررسی گزارشات نشان میدهد که باید پیشرو جهت‌سازمان نعیمی متناسب با شرایط مشخص منطقه عزم خود را جزم کند. شعارها و اهداف روشن را باید به توده‌ها منتقل کرد تا راه را صحیح طی کنند. این وظیفه پیشاهنگ است. کدام شعار و با کدام هدف استراتژیک بسیج و تشکل حول کیتته‌های مخفی مقاومت در محلات، مدارس، دانشگاهها و ادارات هدف‌فرا رویدن این

کیتته‌ها به برپایی اعتبار عمومی سیاسی و سپر قیام مسلحانه علیه رژیم. باید تشکل در کیتته‌های مخفی به خلق آموزش داده شود. اما تا بحال ما نتوانسته‌ایم با طرح مقالاتی حول این مسئله به توده‌ها بیاموزیم. اگر ما نتوانیم این تشکلهای سازمان نعیمی کنیم. مبارزات به شکل پراکنده خود بخودی و مقطعی بروز میکنند و سپس خاموش میگردد. اینکه توده‌ها از عدم تشکل و بی‌سازمانی رنج میبرند پراکنده و فردی عمل میکنند، مبارزات شان ارتقا نمی‌یابد، در شرایط دیکتاتور تروریستی عربیان و در نبود تشکلهای حتی صنفی امری دور از ذهن

نیست. در شرایطی که فعالیت پیشرو انقلابی بسادگی امکان‌پذیر نیست.

ارتباطی زنده و پویا و ارگانیک بین توده و پیشرو انقلابی برقرار نشده نهضت کارگران و زحمتکشان منطقه نهضتی عام و نارس است. برای ایجاد ایجاب می‌کند که به عمق فعالیتهایم در راستای آگاه کردن خلق بلوچ و زحمتکشان سیستانی صدچندان بیفزائیم تا در قیامی دیگر و خیزشی دیگر همگام با سایر خلقها نفس انقلابی خود را در راستای سرنوشتی نظام‌سازمان جمهوری اسلامی قاطمانه ایفا کنند. باید اخبار مبارزات توده‌ها را بطور گسترده و وسیع بخش و ترویج کنیم. باید نشان نعیم که مبارزهای در جریان است. مبارزات را حول برنامه عمل سازمان رهنمون گردانیم. از تجربه‌های پیشین توده‌ها و قیام درس گرفته و با تبلیغ آلترناتیو دمکراتیک انقلابی مانع به هرزرفتن پتانسیل و نیروی توده‌ها شویم. با بسیج با شرکت در مبارزات توده‌ها ضعف اتحاد و تشکل آنها را در عمل از بین برد و اتحادی واحد در صفوف رزمنده آنها ایجاد کنیم. تلاش پیشاهنگ کمونیستی باید در راستای اینگونه اهداف باشد تا با کاری پس گیر و مستمر و خستگی ناپذیر در هر شرایطی وظایف خود را در قبال جنبش خلق و انقلاب ادامه دهد. با توجه به تمام مطالب گفته شده و بررسی و جمع‌بندی گزارشات نشان میدهد که وظیفه‌های دشوار و سنگین بر دوشمان است. تبلیغات خود را برای سرنوشتی رژیم از طریق ایجاد کیتته‌های مخفی برپایی اعتبار عمومی سیاسی و قیام مسلحانه باید افزایش نعیم. برنامه عمل سازمان را بعبان توده‌ها برده و آلترناتیو انقلابی دمکراتیک را برای آنها تشریح و ملموس نمائیم. مبارزات توده‌ها را در راستای برنامه عمل سازمان به پیش ببریم. پیروزی انقلاب بزرگ فردا تنها تحت رهبری کمونیستها ممکن است. و تنها با برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان با برقراری جمهوری دمکراتیک خلق با تمام نیرو و توان، در این راه سترک و شکوهمند به پیش، پیروزی از آن ماست.



۵۵۵

و سخن از انقلاب و کارهای انجام شده خود می‌گفتند و در برخی از مساجد به محض ورود مزدوران مردم پس از برگزاری نماز مسجد را ترک می‌گفتند و تفرغ خود را به رژیم ابراز می‌داشتند. دهه فجر طوری در سراوان برگزار شد که شب و روز خواب و آرامش از مزدوران سلب شده بود چون از فعالیت هواداران که در اوایل دهه فجر انجام گرفته بود به شدت وحشت زده بودند و شبانه روز به پیگردی مشغول بودند و حتی توده‌ها از وحشت رژیم و اینکه به تکاپو افتاده است و همچون دیوانه‌ها عمل می‌کند خوشحال بودند. در ایام دهه فجر نیز تبلیغات وسیعی حول جنگ و با اجرای یکسری عملیات صرفاً در جهت متوجه نمودن آنها توده‌ها به جنگ صورت گرفت که کمک مالی به جبهه‌های جنگ بدهند.

عملیات جنگی فاوکه با دادن کشته زیاد انجام شده بود یکی از محورهای تبلیغ برای کمک به جبهه‌ها بود. توده‌های مردمی که روزهای قیام را بیاد دارند از مضحکه دهه فجر و عملیات تخریبی نمایشی رژیم نفرت داشته و این بدل‌سازی زبونا نه را چون دست و پا زدنهای محتضران می‌نگرند. مثلاً روشن کردن چراغ ماشینها و بوق زدن که با درخواست عاجزانه ماموران صورت می‌گرفت با عدم استقبال توده‌ها روبرو شده بود و هیچگونه انگیزه‌ای برای آن وجود نداشت و آنها که اجباراً به این کار دست می‌زدند بعد از اذیت شدن از ماموران با حالتی مشتمل و کینه‌آلود سربراه خود کشیده بی‌کار خود می‌رفتند و پاره‌ای علناً ماموران را مسخره میکردند و هیچگونه مشابتهتی با آن شور و غوغای عظیمی که بدکسل خودبوش در آن روزها وجود داشت نه تنها ملاحظه نمی‌شد بلکه جایش برای هر بیننده خارجی هم کینه و نفرت عمیق مردم احساس میشد و بخوبی مشخص میشد که توده‌ها در فکر قیامی دیگرند تا بساط جمهوری را درهم شکنند و حکومت انقلابی خویش را برقرار سازند.





گرمای باد

نظام شرکت داشت. در روزهای قیام در محلات به آموزش جوانان در مورد استفاده از نارنجک و اسلحه پرداخت.

رفیق هادی در جریان مبارزه با اپورتونیستها نقش برجسته ای ایفا نمود و پس از انفعال اکثریت علاوه بر عضویت در کار مرکزی مسئولیت اجرایی مالی و تدارکات و بخشی از چاپ و توزیع را بعهده گرفت. پس از شهادت رفیق اسکندر مسئولیت نظامی را نیز پذیرفت. در اولین کنگره سازمان رفیق هادی مجدداً با اکثریت آرا بعضویت مرکزیت انتخاب گردید و ضمن ادامه مسئولیتها قبلی در بخش کارگری نیز بفعالیت پرداخت.

در تاریخ ۲۵ اسفند ماه ۶۱۱ بر سر یک قرار که از سوی احمد خاشن بصورت تلفنی در مرکز ارتباطات گذارده شده بود و طی یک ترگیری مسلحانه با مزدوران رژیم رفیق هادی بشهادت رسید. دستجلاد بار دیگر نیز بخون یک فدائی خلق آغشته گشت و بار دیگر چشمانی حقیر بر پشت گلشنک خندید. اما یاد او و خصلتهای انقلابیش اثری بخش رفقای است که سلاح او را بردوش گرفته و تداوم راهش را تضمین می کنند.

روز

را در تمام سطوح با مردان برسمیت می شناسد و قادر است پستوانه محکم رهائی کامل آنان گردد. حکومتی که با گسترش شیرخوارگاهها و مهدکودکها بخش بزرگی از وقت زنان را آزاد میکند تا بتوانند از آزادیهای رسمیت یافته عمل استفاده کنند و با ارتقا میزان رفاه اجتماعی امکانات عمیق این آزادی را فراهم می کند تا توسط دوش مردان در همه عرصهها شرکت کنند. بنی جامعه ای که زنان واقعا در آن آزاد باشند. بدون شرکت آنان که نیمی از جامعه هستند در مبارزه علیه این رژیم ممکن نیست تحقق یابد.

استان در دیماه امسال اعلام کرد که توسط دولت هیچگونه حمایتی از ورزش و تشویق جوانان و نوجوانان به ورزش نمیخورد. حتی در مدارس ابتدائی معلمین ورزش را برداشته اند. این عوامل و همچنین عدم وجود فضای ورزشی در مدارس باعث می گردد که اعتیاد به سراخ دانش آموزان بیاید. لذا لازم است که به ورزش در مدارس توجه گردد. اینها و صدها مورد دیگر تنها تبعات رژیم جمهوری اسلامی در گسترش اعتیاد است. رژیمی که در زندانهای مملکتی زندان زاهدان هروئین و سایر مواد افیونی بیشتر و ارزانتر از بیسرون یافت می شود. خود در امر گسترش اعتیاد نقش بسزائی دارد.

مبارزه با پدیده اعتیاد به مبارزه بر علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی بورژوازی وابسته ایران عمیقاً مرتبط است. سرمایه های جهانی در این امر با هزاران تار مرئی و نامرئی پیوسته اند و عمال جمهوری اسلامی نیز بمثابه رژیم سرمایه داری از این قاعده مستثنی نیستند. "ماری جوانا" که از لحاظ ارزش دومین محصول کشاورزی بعد از گندم در آمریکا محسوب میشود باید صادر شود. از این کانال نیز سرکرده امپریالیسم جهانی منافع عظیمی در کشت و پخش این مواد مخدر در سطح جهانی داراست. و سرمایه داران وابسته در کشورهای سرمایه داری با هزاران ارتباط به این معامله سودآور و انسان کش می پردازند. از اینرو باید کارگران و زحمتکشان و کلیه مردم ستمدیده بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم متحد شده و با محور رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق مبارزه ای اساسی را در جهت ریشه کن کردن تمامی مظاهر فساد به پیش ببرند. این تنها و تنها راه علاج دردهای جامعه ماست زیرا با استقرار جمهوری دمکراتیک خلق برای بیکاران ایجاد کار خواهد شد. بهداشت و درمان و تحصیل رایگان خواهد بود و سطح رفاه زحمتکشان روستا افزایش خواهد یافت و مبارزه ای اساسی بر علیه فساد آغاز شده با تعمیق و گسترش انقلاب

اثری از مظلله سرمایه داری و امپریالیسم در جامعه باقی نخواهد ماند.

اعتیاد

و تنها خرده پاها هستند که قربانی میشوند. در این میان باندهای ضد انقلابی افغانی که به اسم مجاهد در منطقه رفت و آمد دارند یکی از اشاعه دهندگان بزرگ مواد مخدر در سطح منطقه و ایران هستند. که همگی آنها در دامان رژیم به خوش خدمتی و خوشرقمی مغلولند و از حمایتها و بیدریغ رژیم کمال استفاده را می کنند. آری اعتیاد در بلوچستان امروز بصورت یک خطر تراآمده است. دانش آموزان ۹ ساله حتی معتادین شده اند. در کانون بازپروری معتادین حتی معتاد ۸ ساله دختر وجود دارد. در یکی از روستاهای بلوچستان اطراف دهابید از ۲۵ خانوار که در یک منطقه زندگی می کنند بجز بچه های خردسال تماشان معتاد به هروئین هستند. در اکثر خانواده های معتاد مردان خانواده بخاطر اینکه با خیال راحت و بی دردسر اعتیاد را ادامه دهند زنها خود را معتاد کرده اند. زنها زیادی در سالهای اخیر توسط مردان نشان آلوده به این سم شده اند.

در شرایطی که فقر و بیکاری در منطقه بیداد می کند، تفریح و سرگرمی و امکانات رفاهی نیست، فشار و اختناق بیحد و مرز وجود دارد، اعتیاد به مواد مخدر ریشه می دواند. زاهدان بهشت معتادین، این جمله امروز در سراسر ایران جمله ای است آشنا. زیرا بقرری هروئین و سایر مواد افیونی زیاد و به وفور و با قیمت ارزان یافت میشود که تمامی معتادین از سراسر ایران به این استان آمده تا بی دردسر و راحت و با قیمتی ارزان برای خود سم تهیه کنند.

این رژیم خود همانند تمام رژیمهای سرمایه داری بلکه بمراتب بدتر از آنها عامل و اشاعه دهند فساد است. علاوه بر زمینه های روانی که در جامعه در اثر ظلم و دیکتاتوری حاکم ایجاد شده اقدامات مرتجعانه رژیم در تمامی ابعاد خود زمینه های مساعدتر اعتیاد را فراهم می آورد. مثلاً غلامی کارشناس و سرپرست تربیت بدنی



اطلاعیه هواداران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سیستان و بلوچستان (بامی استار)

درباره حمله مسلحانه به

مرکز فرستنده رادیویی سازمان

خونبار علیه دیکتاتور شاه و رژیم جمهوری اسلامی تحت سخت‌ترین شرایط مبارزه همواره به مبارزه همه جانبه خود برسد این دشمنان بشریت ادامه داده است و در عین حال لحظه‌ای از افشای عناصر خائن به طقه کارگزارانمانده است. این اولین بار نیست که دسیسه‌های بورژوازی و عوامل مرتجع نفوذی در درون طبقه کارگر در صددیت با سازمان دست به توطئه می‌زنند، اگرچه هر بار جزئیات و وسوایی چیزی برایشان به‌سار نیامده است. مطمئن باشید این بار نیز سازمان با قدرت و توانایی خویش همچون تمام دوران گذشته پسر افتخارش در مقابل تمامی توطئه‌های رنگارنگ سرفراز بیرون می‌آید و هیچگونه توطئه‌ای قادر نخواهد بود صفوف مستحکم سازمان را خدشه‌دار سازد. یقین داریم سازمان هیچگونه قهر ضدانقلابی را بی پاسخ نخواهد گذاشت. بگذار حامیان بورژوازی و طرفداران امپریالیسم و مرتجعین از سبک‌رهای کارگران و فریاد پرورش زحمتکشان سرخود ببلرزند. ما نیز با قهر ترم نمودن صفوف متشکل خود و با تجدید عهد نسبت به خط مشی انقلابی سازمان برای براندازی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق به پیگار دلیرانه خود ادامه می‌دهیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی
سرتکون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق
مرگ بر خائنین و خودفروشان
در احتزاز باد پرچم پرافتخار
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران -

سیستان و بلوچستان (بامی استار)

۱۳۶۲/۱۱/۷

زحمتکشان سیاسی!

خلق رومنده بلوچ!

همانطور که در اطلاعیه ۱۳۶۲/۱۱/۵ کمیته مرکزی سازمان از چگونگی حمله به مرکز فرستنده رادیویی سازمان آگاه شد. احیاء دو تن از عناصر خائن اکثریتی به نامهای مدظنی مدنی و فرید به همراه محمود احوان بیطرف (حماد نیسانی) یار دیرینه شورای ملی مقاومت با تشکیل ماند و فریب دادن چند تن افراد ناآگاه به اقدام خیانتکارانه‌ای مبادرت نموده و سرمانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان حمله کرد، که با مقاومت قهرمانانه رفقای مستقر در محل فرستنده روبرو شدند. سران‌اس ماند تنگنارانه با به‌شهادت رساندن رفقا کاوه، اسکندر و حسن و ترحامی گذاشتن چند کشته‌ورزخی سرانجام به اتحادیه میهنی کردستان عراق پناهنده شدند که سازمان معرانه خواستار استرداد آنها شده است.

در شرایطی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بیورنهای وحشیانه خود را علیه تکمیل سازمان در سراسر ایران شدت بخشیده است، حمله به مرکز رادیویی سازمان و به‌شهادت رساندن رفقا به دست‌اس خائنین به طغه کارگر توطئه با حواسمردانه‌ای است که سها از عوامل مرتجع و سرسیرده بورژوازی برمی‌آید. سر طبق اطلاعات رسیده از جانب رفقای سازمان همگی اس خائنین از مدتها پیش در تکمیل خلق مسئولیت‌ننده بودند و احیاء سیر در انراعمال ضدتکلیاتی معضلا اخراج شده بودند.

خلق رومنده بلوچ!

زحمتکشان سیستانی!

همانگونه که آگاهید سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران با شتیر گذاشتن بیشتر از پانزده سال مبارزه

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم



گرامی باد خاطرۀ فدائی

رفیق شهید

هادی



دکتر هادی هدی - محمدتقی شاکوئی

با آغاز حماسه سیاه‌کل و اشکال نوین مبارزه مسلحانه رفیق هادی که فقر و سیروز توده‌ها را لمس کرده و راه نجاتی برای توده‌های اجتماعی می‌جست به مبارزه انقلابی روی آورد. رفیق با وجود اعتقاد به مبارزه سازمان‌یافته و متشکل، ولی بدون هر گونه ارتباطی با سازمان همراه رفیق حسن فرجودی فعالیت انقلابی را آغاز نمود و در این دوره بارزترین خصلت رفیق یعنی اعتماد بنفس و اتکاء بخود بروز میکرد.

بدنیال آتش‌زدن طاق نصرتهای جنبشهای ۲۵۰۰ ساله در شهر زادگاهش توسط ساواک همراه رفیق فرجودی شناسائی و دستگیر شد. بمدت سه سال به زندان محکوم شده ولی در زندان نیز از مبارزه علیه رژیم ددمنشی شاهنشاهی دمی غافل نماند بطوریکه رژیم مجبور به انتقال رفیق از زندانی به زندان دیگر بود.

پس از اتمام دوره محکومیت و خروج از زندان در ارتباط با سازمان رزمنده جریبه‌های فدائی خلق فعالیت پرشور انقلابی را ادامه داد.

به دلیل شکوفای شدن استعدادهای رفیق در کلیه زمینه‌ها مسئولیت‌های انقلابی رفیق همواره بیشتر می‌گشت. در سال ۵۴ در اولین عملیات ترور ناهیدی مزدور کارگشته ساواک در مشهد

با موفقیت شرکت نمود. پس از ضربات سال ۵۵ سازمان و عبادت کلیه رهبران سازمان از جمله رفیق حمید اشرف، رفیق هادی با روحیه انقلابی و بی‌شکاک و صب تا پذیرش توانست با کلیه رفقای تشکیلات مجدداً ارتباط برقرار نموده و بازسازی تشکیلات را یک تنه با انجام رساند. در این مدت موفق به فرار از محاصره یک‌خانه تیمی گشت همچنین در سال ۵۶ در مشهد حلقه محاصره مزدوران ساواک را شکسته یکی از مزدوران را بهلاکت رسانده و اسلحه‌اش را معاشره نمود و منطقه را ترک گفت.

رفیق در کلیه زمینه‌ها از جمله اسلحه‌شناسی و کاربرد اسلحه‌ها، خنثی‌سازی نارنجک و عملیات مهارت و خلاقیت شگرفی داشت و همواره کلیه آموخته‌ها، پیش‌را به کلیه رفقای تشکیلات می‌آموخت. همزمان با اوجگیری مبارزات توده‌ها در سال ۵۷ رفیق در چند حمله به مزدوران سرکوبگر شاه از جمله حمله به سرکوبگران در نظام آباد هنگامیکه مزدوران به تظاهرات مردم آتش‌گشودند و حمله به مقر مزدوران در میدان خراسان و تسخیر مرکز رادیو دوشادوی توده‌ها و به‌مراه رفیق سیادت و رفیق

بقیه در صفحه ۱۲

نظام سرمایه‌داری عامل اعتیاد است

یاد

کم‌ون
جاودانه‌است



ساخت و از آنها انسانهایی برده و بی‌آزار و مطیع تربیت کرد اغاعه وسیع و گسترده مواد مخدر و ابتلا آنسان به این ماده سمی و مهلك و کشنده می‌یابد. در جوامع سرمایه‌داری و خصوصاً جوامعی با ساخت سرمایه‌داری وابسته رژیمهای دیکتاتوری و آزادی‌کش برای اینکه فکر تغییر حکومت در انحصان مردم شکل نگیرد و مادیت نیابد و آنها سالیان متماد بر مردم حکومت

بقیه در صفحه ۴

امپریالیسم و رژیمهای ارتجاعی وابسته به آن برای اینکه سلطه غارتگران خود را بر توده‌ها سالیان سال تحمیل کنند احتیاج به این دارند که به طریقی آنها را برانقیضاد رخوت و بی‌پندوباری سون نهند تا آنها هیچوقت به مخیلهشان خطور نکند که آزاد زیستن و آزاد زندگی کردن هم می‌تواند وجود داشته باشد. یکی از طرقی که نسل فعال هر کشور را میتوان در بی‌خبری و انفعال و سستی غوطه‌ور

ضد امپریالیستی جیره‌جدا چه جیره‌دهد مکراسیء نه انت



عملیات موفقیت آمیز سرمچاران فدائی در منطقه سیستان و بلوچستان

در صفحه ۱۲



اخبار

پهمن ماه ۶۴:

اخیرا عبادی خائن نماینده امام جلال در سیستان و بلوچستان برای دیداری وارد سراوان شد. این مزدور در دیدار خود از اطراف و اکناف سراوان با بی اعتنائی چشمگیر توده‌ها روبرو شد. خصوصا عشایر فقیر وزحمتکش اطراف روستای کلپورگان با بی اعتنائی تمام به او برخورد کردند. این مزدور برای فریب آنها به همراهان جهادی خود گفت اینها مستضعف‌ترند و باید برای آنها جاه عمیق زده‌یکی

از مزدوران جهادی گفت: حاج آقا اینجا زمین مفت است و کنده نمی‌شود. حاج آقا که قافیہ را باخته بود دست پاچه گفت برای آنها یا تانکر آب بیاورید. و جای یا دآورست که این دستور تنها برای ماست مالی خطای قبلی است و گرنه فاصله موجود و هزینه آن با طمع و حرص و آز سرمایه‌داران حکومتی جور در نمی‌آید و تنها یک شوخی است که "حاج آقا" با زندقه مردم می‌کند. بقیه در صفحه ۲

گزارش پخش اعلامیه در سراوان

روز ۱۱/۸/۶۴ هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در سیستان و بلوچستان (بامی استار) در سراوان اقدام به پخش اعلامیه پیرامون افشای فشار روزافزون رژیم بر خلق بلوچ نمودند. دانش‌آموزان دبیرستانها صبح

هنگام با اعلامیه‌ها روبرو شده و آنها را با شادی بهمیدگر نشان میدادند و دبری نگذشت که خبر پخش همه جا رسید. معلمین ارتجاعی دبیرستانهای "باهنر" و "خمینی" با هراس سرکلاسهای درس حاضر شده و دانش‌آموزان بقیه در صفحه ۱۰

با کمکهای مالی خود

سازمان رایاری رسانید



پروشات اسلامی جمهوری ادبیت راجی دمکراتیکین جمهوری



سراوان - بهمن ماه ۶۴:

از خیل سربازانی که بزور و اجبار از مناطق سراوان و اطراف جمع آوری شده اند و بزاهدان اعزام شده اند ، آنها با جارت تمام از تاریکی شب استفاده کرده و پادگان را تترک می گویند و پاره ای اوقات با استفاده از مرمی چند ساعته به پادگان بر نمی گردند و رژیم اخیرا هر سرباز را که حین فرار دستگیر کند به مد ضربت شلاق در صیدگاه محکوم مینماید و خروج او را تا مدت ها از پادگان ممنوع می کنند .

زاهدان - بهمن ماه ۶۴:

وزیر مسکن و شهرسازی رژیم پس از بازدیدهای خود از جمله بازدید از زندان در مورد مسکن کارمندان اعلام کرد که کارمند اگر حتی ۴۰۰۰ تومان هم حقوق بگیرد ، با وام هم نمی تواند خانه بخرد از اینرو باید برای آنها خانه ساخت . این گفته فریبکارانه وزیر مزدور دقیقا وقتی است که خانه های احداث شده بنام کارمندان را برای جبران کسر بودجه با قیمت کلان فروخته اند و آنها را بی سرپناه نهاده اند .

سراوان - آسپیچ - بهمن ماه ۶۴:

یک ماشین توپوتا که از کوهک عازم سراوان بود در نزدیکی روستای فوق مورد تعقیب قرار می گیرد . او به ایست مزدوران کمیته توجه نکرده می گریزد . هنگام عبور از کوهچه های نعلکده با تیراندازی کمیته ها چرخهایش پتخیر شده متوقف میگردد . مزدوران با دستگیر کننده کتک مصلی به او می زنند که این اعمال موجب افزایش تنفر توده های روستا نسبت به رژیم گردید .

زاهدان - بهمن ماه ۶۴:

رژیم جمهوری اسلامی که با تبلیغات وسیع خود نتوانسته بود وعده خود را برای اعزام کاروان دوم راهیان کربلا در دوم بهمن اجرا نماید . این تاریخ را به سیام بهمن ماه تغییر داده است . اعزامیان در کاروان اول که تعداد زیادی از آنان حاضر به رفتن به جبهه ها نشده بودند و بسیاری

بین راه گریخته بودند و همچنین نفرت توده ها از جنگ و رژیم زبونی و ناتوانی رژیم را از بسیج اجباری برای جبهه ها رابه نمایش می گذارد .

زابل - بهمن ماه ۶۴:

پس از مدتها که زحمتکشان منطقه از بی آبی و خشکالی تلف و پراکنده شدند و مهاجرت نمودند و چهره رسوای رژیم را در بی توجهی به وضعیت محرومان و نشمنی با مردم مشاهده کردند ، اینک جاری شدن سیلها و معاصره روستاها توسط سیل یک بعد دیگر از این ناتوانی و بی توجهی رژیم را بمردم نشان داد و نشان داد که زحمتکشان هیچگونه امیدی نسبت به رژیم ندارند و نداشتند و نشان داد که همه تبلیغات رژیم بی پایه است و فریبکاری از اینرو تنها با سرنگونی رژیم وضع مردم بهبود خواهد یافت .

چابهار - اوایل بهمن ماه ۶۴:

بدنبال تبدیل شدن چابهار به یکی از شاهرگهای اقتصادی رژیم اخیرا وزراء کشور و مسکن و شهرسازی و راه و ترابری و نماینده خاش مولوی حامد دامنی جهت بازدید و تسریع در عملیات اجرایی طرحهای مربوط به اسکله ها و ترافیک و ترمینال و واحدهای مسکونی و مهمانسرا ، تجهیزات پیناسر و کشتی رانی ، بهره برداری از آبهای جنوب و دریای عمان وارد منطقه شده اند . طرحهای جاری عبارتند از احداث اسکله ضربتی با هزینه ۳۰۰ میلیون تومان و ظرفیت سالانه بارگیری و تخلیه آن حدود ۸۰۰ هزار تن و عمر بهره برداری از آن ۲۵ سال می باشد و دیگری اسکله صندوقه ای که طول آن ۴۱۲ متر جهت پهلوگیری موتورهای لنج محلی (ماهیگیری ، تجاری ، مسافری و ...) می باشد و هزینه آن ۶۰۰ میلیون تومان بوده است . بندر ترافیکی ساحلی و شهرک مسکونی کوی بندر و مهمانسرای ۹۶ نفره و همه طرحهای است که به پیوجیه مسائل مردم را در نظر نداشته و تنها برای پیشبرد برنامه ها جنگی و غارتگرانه رژیم این طرحها پیاده میشود و این پولهای کلان ثمره خون زحمتکشان است که در راه استثمار بیشتر آنان بکار برده میشود .

زابل - ۶۴/۱۰/۲۰:

بدنبال افشای اتحادیه نانوائی ها که از طرف اداره بازرگانی تشکیل شده بود ، برای جلوگیری از وسعت اعتراضات مردم این اتحادیه منحل اعلام شد . این اتحادیه در پوشش نمایشگاههای اتومبیل ، آرد مرفی نانوائیها را به بازار آزاد می فروخت و این عمل خود به کمبود نان در بازار کمک کرده اعتراض مردم و نانوائیان را در مورد کمبود آرد سهمیه بندی وسعت می داد .

سراوان - آذرماه ۶۴:

رژیم خون آشام جمهوری اسلامی تشنه خون مردم است و حتی از جان سربازانی نیز که فوج فوج در جبهه خونشان ریخته میشود ، دست برنمیدارد . خیل عظیم مجروحین جبهه های جنگ ، سازمان انتقال خون را با کمبود خون روبرو ساخته و بالاجبار سربازان و زندانیان باید این خون را تامین کنند . سربازان گردان مرزی سراوان نیز هرچند گاه چون دیگر سربازان باید خون بدهند و هر ماه یا دو ماه یکبار از زندانیان نیز اجبارا خون گرفته میشود . این در حالیست که توده ها بخاطر تنفرشان از رژیم حاضر نیستند قطره ای از خون خود را در اختیار او بگذارند و همان نهرهای خونی را که در جبهه ها و مسلخ زندانها جاری است برای نفرشان از رژیم کافی میدانند .

زابل - دیماه ۶۴:

بدنبال فجایعی که در اثر اعتیاد هر روز در گوشه و کنار شهر رخ میدهد و عمال جمهوری اسلامی خود از بانیان اشاعه آن هستند . اخیرا زنیکه برای جلوگیری از هروئین کشیدن شوهرش و آوردن افراد دیگر به خانه توسط او با وی درگیر شده بود در اثر خستگی و ناراحتی عمیق از این فلاکت خود را به آتش کشید و در بیمارستان زاهدان درگذشت . اعتیاد و تمامی تبعات آن ناشی از رژیم سرمایه داری است و قربانیان مواد مخدر نیز در صف قربانیان جمهوری اسلامی هستند که هر روز در جبهه ها و زندانها کشته میشوند



سراوان - دیماه ۶۴:

فرار روز افزون سربازان از پادگانها و جبهه‌های جنگ: رژیم زیون را وادار کرده است بسفون هیجگونه مجوز قانونی و تنها براساس سبمیت درونی خویش و ناتوانی تاریخی از جلب توده‌ها به خانه‌های آنان یورش برده و جوانان آنها را دستگیر و به جبهه‌ها روانه سازد. تنفر مردم از جنگ و رژیم نو جز لاینفک است و تنها با سرنگونی رژیم است که جنگ ارتجاعی پایان یافته و توده‌ها از مصائب جنگ خلاص می‌شوند.

سراوان - دیماه ۶۴:

بازداشت‌های بدون دلیل مردم و شکنجه و زندان آنان یکی از اعمال جنایتکارانه رژیم است که بموجب دیکتاتوری عنان گسیخته خویش آنرا حق قانونی خود فرض می‌کند. یکی از این موارد بازداشت جوانی است که مورد سوطن پاسداران قرار گرفته است. پاسداران مزدور بلافاصله او را دستگیر و به سپاه می‌برند در آنجا بی آنکه جوابی به اعتراضات او بدهند او را بزیر شکنجه گرفته در توالت زندانی می‌کنند. آنها مشخصاتی از فرد مزبور می‌خواستند که او متوجه شده بوداعتبارها بازداشت شده است او می‌گفت شما به منزل من بروید و تحقیق کنید و... بالاخره آنها پس از پی بردن به دستگیری بیبوهه او می‌گویند: «ما بخاطر انجام وظیفه و جلوگیری از حرکات ضدانقلاب به این کار دست زده ایم.» این اعمال نشانده وحشت رژیم از نیروهای انقلابی و گنجری و ناتوانی روز افزون اوست زیرا که مرک خویش را نزدیک می‌داند و بعینه دشمنی توده‌ها را با خود لمس می‌نماید.

سراوان - آذرماه ۶۴:

ژاندارمهای رژیم در یکی از مناطق مرزی چند وانت که حامل کالای قاچاق بودند را مورد تعقیب قرار میدهند. ولی چون موفق به دستگیری آنان نمی‌شود در بازگشت به یک تویوتای خالی برخورد نموده برای اینکه دست خالی برنگردند آنها را به رگبار می‌پندند در اثر این تیراندازی ماعین واژگون و خسارت زیادی به فرد زحمتکش وارد میشود.

سراوان، داورپناه (نرک):

بدنبال واگذاری چند دستگاه مینی‌بوس جهت سرویس همی حومه داورپناه از سوی فرمانداری به افراد سوجسو و وابسته به رژیم و نرخ گذاری ناعادانه لانه کرایه، زحمتکشان بعنوان اعتراض به فرمانداری مراجعه کردند. فرماندار طی نصستی با مینی بوسداران نه تنها نرخ کرایه را کاهش نداد بلکه نرخ را افزایش میدهد و بموجب این نرخ گذاری کرایه شهر تا نرک از ۲ تومان به ۲ تومان و تا زنگیان از ۲ تومان به ۴ تومان و اسپیح از ۲ تومان به ۵ تومان مان و روستاهای نشونک و زیارت از ۴ تومان به ۷ تومان اعلام می‌گردد. این در صورتیست که فاصله شهر تا زیارت که دورترین نقطه است از ۱۲ کیلومتر تجاوز نمی‌کند. فرماندار مزدور و جبری ستم رژیم بر توده‌ها نخواهد توانست گریبان خود را از خشم توده‌ها رها کند.

سراوان - اسفندماه ۶۴:

صبح روز هفتم اسفندماه یکی از کارگران نانوائی که در پشت دبیرستان تجربی به کار نانوائی مشغول است صدای رادیو ضبط خود را که موسیقی هندی پخش میکرد زیاسمی‌کند. یکی از معلمین مزدور دبیرستان بنام ابراهیم جعفری ابتدا به او اخطار نموده پس از بی‌اعتنائی کارگر مذکور از دیوار مدرسه پائین پریده نوار را از روی ضبط برمیدارد و ضمن تلفن به کمیته برای دستگیری کارگر نانوائی نوار را با خود میبرد. ابراهیم جعفری مزدوری که قبلا در سپاه پاسداران تهران مشغول کار بوده و اینک دبیر فیزیک دبیرستان تجربی است. او حتما با عیش و عشرتها و ابتذال مجامع خصوصی حکومتیان آشناست. و تنها کینه رژیم جمهوری اسلامی به زحمتکشان است مایه چنین اعمال ضد مردمی است.

سراوان - اواخر بهمن ۶۴:

در فرمانداری شهرستان جلسه‌ای با شرکت مولویهای مرتجع برگزار گردید. در این جلسه که بمنظور جلب همکاری بیشتر مولویها برگزار شده بود علیرغم خدمتگزاربهای عاجزانه مولویها نسبت به رژیم، فرماندار مزدور آنها را تهدید نموده و می‌گوید شما هیچ کاری برای جمهوری اسلامی انجام نداده‌اید.

و فقط بلید حقوق بگیرید. ماعینی بگیرید و در بازار بفروش برسانید و این تهدید بخاطر ترغیب آنان به همکاری و فعالیت هرچه گسترده‌تر صورت می‌گیرد.

سراوان - بهمن ماه ۶۴:

در دبیرستان تجربی (امام خمینی) بجای عکس پاره شده خمینی توسط دانش‌آموزان که خبر آن در شماره قبل آمد عکس منتظری مزدور را به دیوار می‌زنند. اما دانش‌آموزان با پاره کردن عکس این جنایتکار دیگر تنفر خود را از تمامی رژیم بنمایش می‌گذارند. مسئولین مزدور دبیرستان که عیددا به خشم آمده بودند برای فریب دانش‌آموزان از روی استیصال ضمن فراخواندن همه سر مفرئیسی مزدور مدرسه می‌گویند ما میدانیم که این کار شما نبوده و از خارج کسی آمده این کار را کرده اما اگر دفعه دیگر این عمل صورت گیرد همه شماها را به سپاه می‌بریم تا شماها را با جوشی بنمایند. پس از این جریان مسئولین درب کلاس را قفل کرده و یکدقیقه مانده به شروع درس در کلاس را باز مینمایند و بلافاصله پس از پایان درس دوباره درب کلاس قفل میشود. و در اوقات تفریح یک نفر جاسوس را جلوی درب کلاس بعنوان مراقب می‌گذارند.

سراوان - ۳۳ بهمن ماه ۶۴:

علیرغم تهدیدات و تبلیغات وسیع رژیم برای شرکت دانش‌آموزان در مراسم ۲۲ بهمن دانش‌آموزان از شرکت در مراسم خودداری کرده و آننده نیز که اجبارا رفته بودند در همان ساعات اول مراسم را ترک کردند. این تحریم در شرایطی صورت می‌گیرد که دانش‌آموزان با تهدید شدید مسئولین و همچنین کم کردن نمره انقباط روبرو هستند.

سراوان - بهمن ماه ۶۴:

پاسداران و کمیته‌ایها در پوشش لباسهای لمپنی شبها بصورت انفرادی به گفت‌وگو می‌پردازند و در پاره‌ای موارد هم اظهار داشته‌اند که مورد خشم رژیم هستند و می‌خواهند از سرز خارج شوند.



سراوان - زنگیان - دیماه ۶۴:

بسیجیان مزدور به بهانه‌های مختلف احداث پایگاه بسیج در روستای زنگیان اقدام مینمایند. اما در مقابل تنفر و اعتراض مردم مزدوران موفق به اجرای طرح خود نشده و از منطقه سرافکنده خارج می‌شوند.

زاهدان - ۶۴/۹/۲۵:

جاسوسان انجمن اسلامی با شیوه گوناگون اقدام به اخاذی از کارمندان نموده و زیر عنوان کمک به جبهه‌ها با تهدید و ارعاب از آنان خواستار کمک به جبهه‌ها می‌شوند. و اگر کسی از پرداخت خودداری کند به او ضد انقلاب اطلاق کرده محتما در پرونده‌اش درج می‌نمایند تا از گرفتن پایه و افزایش گروه و حقوق محروم شود اما موج مخالفت با رژیم بحدیدت که اگر قرار باشد در پرونده درج کنند باید برای همه کارمندان جزء چنین سوابقی را درج کنند چون همه از رژیم نفرت دارند و از جنگ بیزارند و بنسرت حاضر به کمک به جبهه‌ها می‌شوند.

سراوان - دیماه ۶۴:

رژیم فربیکار جمهوری اسلامی با اعلام آمار نیروغین در تمام موارد از جمله آمارهای اخیر در مورد تعداد باسواد شدگان می‌خواهد مردم را فربید اعلام اخیر مسئول نهضت سوادآموزی استان مبنی بر دایر بودن ۱۰۳ کلاس درس در شهر و اشتغال ۱۶۰ نفر به امر سوادآموزی و رشد ۲۰٪ نسبت به سال گذشته در شرایطی است که روستاهای دزک تا زیارت فقط یک یا دو کلاس بیشتر دایر نیست چه رسد به مناطقی نظیر سوران و بیم پشت که معدود مدارس آنها هم معلم ندارد. حال مقایسه کنید با آمار رژیم که چگونه تلاش در فریب مردم دارد.

سراوان - دیماه ۶۴:

فرماندار مزدور سراوان طوسی خنرانی خود گفت: کل اعتبار اختصاص

سال ۶۴ به سراوان ۱۵۲ میلیون تومان بوده که ۵۲ میلیون آن در جهت تکمیل فضاها، آموزشی و بهداشتی و آبرسانی و اجرای طرح مرتع و دام و معادل ۸ میلیون تومان جهت احداث پل ۲۵۰ متری روی رودخانه ماشکیل و ۳۰ میلیون آن به جهاد ویرانگر و باقیمانده جهت تسطیح اراضی کشاورزی منطقه گشت و احداث سد های خاکي میباید. همچنین وی اعلام کرد از ۳۸۰ کیلومتر جاده مرزی با پاکستان ۱۰۰ کیلومتر آن در منطقه جالق کشیده شده و چند اکیب در کوهک و کشتگان مشغول ادامة فعالیت هستند.

برای سنجش میزان عملکرد رژیم کافست بگوتیم پل ماشکیل که فرماندار دربارہ ضرورت آن خنرانی کرد کراه رفت و آمد هفتاد روستای منطقه است و جمعیتی بیش از ۱۲ هزار نفر دارد و در طرح سال ۶۴ بوده هنوز نقشه برداری نشده ولی وقیحانه از این دلسوزی خود برای توده‌ها بهره‌برداری کرده و بر سر توده‌ها منت می‌گذارند برای کاری که وظیفهشان است و هنوز انجام نداده‌اند، تو خود حدیث مفصل بخوان از این معنا.

سراوان، داوریناه (دزک):

در مورخه ۶۴/۱۰/۴ بعد از نماز مغرب مزدوران رژیم وارد مسجد دزک شده و با بستن دربها اعلام می‌کنند اهالی از این تاریخ هر شب بمدت دو ساعت بعد از نماز مغرب باید به آموزش اسلحه‌شناسی بپردازند. این عمل باعث خشم توده‌ها از این عمل شده و با تنفر در برابر باز کرده مزدوران را با سلاحشان تنها می‌گذارند و بدینوسیله تنفر خود را از رژیم و جنگ ارتجاعی، بنمایش می‌گذارند.

سراوان - دیماه ۶۴:

یکی از افراد قاچاقفروش مبلغ سی هزار تومان بعنوان رشوه به یکی از مسئولین گشت کمیته رشوه میدهد تا بتواند آزادانه کالاهای قاچاق خود را حمل کند، مسئول گشت که از این رشوه چیزی به افراد خود نمی‌گوید. لذا آنها بی‌خبر از قفیه فرد مذکور

را دستگیر و به شهر می‌آورند. او به اعتراض و افشای مزدوران می‌پردازد و آنها که کار رشوه را افشا شده می‌بینند مبلغ پول را به او برگردانده و رهایش می‌کنند.

رشوه‌خواری شایع ترین عمل مزدوران رژیم است و همچنین نشانه فساد عمیق و درمان ناپذیر سرمایه‌داران. فساد که جز با مرگ انسان در تمام ابعاد از روی زمین محو نمی‌شود.

چابهار - آبانماه ۶۴:

معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش، در دیدار خود از مراکز آموزشی چابهار در مورد کمبود معلم اعلام کرد ما در جهت تعلیم مربی گام برداشته‌ایم. وقتی که سسته سسته معلمین را اخراج و اعدام کرده‌اند این وعده‌های سرخرمن تنها برای کلاه گذاشتن بر سر مردم است کاری که تنها مفر رژیم بوده و دیگر کاربرد آن از بین رفته است.

سراوان - ۶۴/۹/۱۵:

مانور نیروهای سرکوبگر رژیم: در این روز مزدوران سپاه، کمیته، جهاد، بسیج و ۰۰۰ بمناسبت هفته بسیج اقدام به مانور نظامی نمودند. بسیج تمام تبلیغاتی که از روزها پیش برای این عملیات انجام شده بود علیرغم دعوت‌های مکرر از مردم برای شرکت در مراسم و زور و اجبار آنان تعدادی بیشتر از صد نفر در استودیوم حضور نداشتند و مزدوران خود تماشاگر خویش بودند. این مانور توسط گردان «بانهز» و در استادیوم شهر برگزار شد. ما مورده ان رژیم گلوگاههای شهر را بسته بودند و در اماکن حساس مثل مخابرات گمرک، پست و حتی بیمارستان را از نیرو مستقر کرده بودند در این رابطه کارمندان و مردم زحمتکش به حضور آنان در بیمارستان اعتراض نموده و از ورود آنان به بیمارستان جلوگیری بعمل می‌آوردند. در تمام موارد مردم با کینه و تمسخر به آنان نگریده و به رفت و آمد عادی خود مشغول بودند. تنفر توده‌ها از رژیم و از جنگ بحدیدت که این تشویق و ترغیب و ارعاب در آن تنها خشم آنان را نسبت به رژیم بیشتر دامن می‌زند.



اخبار

زاهدان - دیماه ۶۴ :

رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی مثل همه رژیمهای سرمایه داری برای حل مشکل مسکن به شیوه سرمایه داران عمل می کند و برای منافع آنان می اندیشد، محتوی جلسات پی در پی در این رابطه و حتی تشکیل شورائی بنام شورای مسکن مرکب از اداره کل مسکن و شهرسازی - زمین شهری - تعاون شهری - استانداری - اداره کل کار سپردن کار مسکن به خود سرمایه داران خصوصی بود که در جهت سرمایه گذاری و مشارکت با آنها این مشکل را حل کنند. آنها حتی از پرداخت وام مسکن خودداری مینمایند تا بتجملهای سرمایه داران با شرایط لازم خوششان در بازار آب شود و برای بازگشت تا آخرین نفر سرمایه داران فراری زمینهای سرمایه گذاری را برای آنان فراهم مینمایند. تا مگر از این طریق بتوانند به وضع فلاکت بار خود سرسامان نهند اما هیچ نیروئی قادر به کمک جمهوری اسلامی نیست زیرا که توده ها از آن بیزارند.

سراوان - گفت - آنرماه ۶۴ :

بدنبال فساد روز افزون رژیم و مرتجعین وابسته به آن اخیرا در حوزه علمیه گفت یکی از طلاب علوم دینی که تازه به درجه مولوی رسیده است و پسر یکی از مولویها و مدرسین حوزه میباشد دختر دوازده ساله ای را مورد تجاوز قرار میدهد که این عمل موجب بیبوهی دختر خردسال و افسای جنایت این فرد میشود و خیر ایمن فضاحت دهان بدعان میگردد. زعمای حوزه برای جلوگیری از آبروریزی بیشتر اخبار را شایعه اعلام می کنند اما خانواده دختر خواستار معاکمه طلبه شده اند. توده های مردم خاطرات تلخی از این فجایع دارند و داستانهای بسیاری در این رابطه نقل می کردند.

سراوان - دیماه ۶۴ :

نفرت توده های بلوچ از جنک واز رژیم تا جائیست که بنفرت حاضر به رفتن سربازی میشوند. لذا رژیم با بسیج تمام نیروهای سرکوبگر سرباز گیری را مستعرا پیش می برد و هر روز با غرق اماکن جوانان را بسزور سرنیزه به یادگانها رهپار می کند. اما جوانان آگاه بلوچ به روشکی شده با گریختن خود از جبهه و یا محصل سرباز گیری و ... چشم طمع رژیم را به خون جوانان کور میکنند. هم اکنون بیشتر جوانان برای نرفتن به جبهه ها یا در خانه ها و اطراف مخفی شده اند یا به کشورهای همجوار گریخته جهنم جمهوری اسلامی را موقتا ترک گفته اند.

زاهدان - دیماه ۶۴ :

بدنبال سرکوب دستفروشان و دکه داران فقیر از سوی رژیم اخیرا طی جلسهای در شورای بهداشت استان برای مقابله با دستفروشان و فروشندگان بدون مجوز مواد غذایی و گوشت و ضبط داروهای قاچاق که توسط واسطه های افغانی از داروخانه ها به دستفروشان می رسد مروی تشکیل پلیس بهداشتی (یا بهداشت محیط) تاکید گردید. تا این پلیس بصورت قدرت اجرایی بسا دستفروشان و زحمتکشان دوره گرد عیدیدا برخورد نموده آنان را تحویل مقامات " قانونی " نهند و توسط احکام اخذ جرمه مختصر درآمد آنان را بتاراج ببرند.

زاهدان - آنرماه ۶۴ :

برگزاری سابقه نابینایان و معلولین در محل استادیوم سالن سر پوشیده شهر زاهدان با عدم استقبال توده ها روبرو شد. توده ها به تماشا ی مسابقات قربانیا ن امیال رژیم نرفتند زیرا برگزاری این مسابقات نیز خود تبلیغ برای جنک بود و برای بسیج جنگی و تشویق به رفتن جبهه در سراسر کشور برگزار میگردد.

زاهدان - ۶۴/۹/۳۳ :

بیرامون " کاروان راهبان کربلا "

در این روز نوجوانان بین ۹ تا ۱۸ ساله که توسط تبلیغات و تهدیدات

و جوسازی رژیم بسوی جبهه ها گسیل شده بودند. موجب نگرانی والدین خود و همه مردم زحمتکش منطقه شده بودند. پدران و مادران آنها در گوشه ای جمع شده و اجازه حتی وداع با آنان را نداشتند زیرا بسیار دیده شده بود که مادران و پدران موفق به بازگرداندن فرزندان خود شده بودند. این والدین بین دنبال فرزندان گم شده خود بودند که بی اطلاع آنان به جبهه فرستاده می شدند. در بین آنان زن سستانی زحمتکشی با پرغاش به رژیم مزدوران می گفت شما می گوئید صدام کافر است. ولی شما از شمر و صدام کافر ترید. گریه و زاری و همه و والدین را صدامی جلا د خلق کرد مادق خلغالی تحت الشعاع قرار داد که درباره بدرقه کاروان و وضعیت منطقه صحبت کرد. او زبونانه اعتراف کرد که ما هنوز موفق به سرکوب توده های مسلح نشده ایم و اعلام کرد که قاطعانه با افراد مسلح بلوچ و قاچاقچیان برخورد کنیم.

و هنگام درگیری از نات به بالا تیر اندازی کنند و همچنین گفت تاکنون ۱۳۰۰۰ نفر قاچاقچی اعدام گردیده اما هنوز قاچاق ریشه کن نشده و وی خطاب به مزدوران مسلح اعلام کرد هنگام برخورد با قاچاقچیان اقدام بسا تیراندازی و کشتن آنان بنمایند.

سراوان - جالق ۶۴/۱۰/۲ :

مزدوران رژیم درحین گفت بسا تعقیب يك و انت تویوتا می پردازند. راننده تویوتا با فرار از جنک آنان به خانه آمده و ماشین خود را جلوی درب خانه پارک کرده و محل را ترك می کند. مزدوران کمیته ماشین را شناسائی کرده و آنرا توقیف نموده با خود می برند و در راه آنرا به يك چاله پرت کرده خسارات زیادی بسا ماشین وارد می کنند آنها دستور میدهند هیچکس حق بردن ماشین را ندارد تا راننده آن برگردد. راننده تویوتا که از تله رژیم مطلع می شود محل را کلا ترك مینماید.

بهمن ماه ۶۴ :

افراد زاندار مری پبعین و پاسگاه های مرزی برای ورود و خروج هرنویست بار قاچاق از مرز ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ تومانی رشوه دریافت می کنند.



اخبار

زاهدان - آفرماه ۶۴ :

بنیاد " مستضعفان " که بنگاه سرمایه‌داری است زیر نام نهیستان و فقیران برای سرمایه‌داران کار می‌کند . یک‌گوشه از اعمال این نهاد ساختمان سازی برای مستضعفان است که اخیراً اعلام داشته ۴۶ دستگاه آنرا آماده فروش نموده است . این واحدهای مسکونی در شهرهای چابهار، خاب، ایرانشهر و زابل قرار دارند، قیمت آنها هر دستگاه ۲۷۰۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰۰ ریال تعیین شده است .

تهیستان و فقرای بی سرپناه با شکمهای گرسنه مسلماً توانائی پرداخت آنرا ندارند و این بنیاد که در دست روحانیان سرمایه‌دار وابسته به سرمایه‌داران فراریست از این معاملات سودآور بخشی از کمبود بودجه دولت را تأمین می‌کند . و با سرمایه گذاری کلان در بخشهای مختلف خود به سرمایه‌های قابل توجهی دست یافته و جیب گفاد سرمایه‌داران حاکم از قبل غارت زحمتکشان سیراب نمی‌شود . این شکل و شیوه پاسخ گوئی به مردم بی سرپناه و بی‌سکن هیچ تردی از زحمت کسان دوا نخواهد کرد و این رژیم قادر نیست مشکل مسکن را حل کند و تنها با سرنگونی آن و برقراری حکومت توده‌هاست که میتوان به موفقیت در این زمینه دست یافت .

سراوان - دیماه :

بالاخره کاسه گدائی رژیم بسوی دارندگان گاری سستی و " خرگاری " هم تراز شد و این افراد زحمتکش هم از غارت و چپاول رژیم بهره یافتند و از این بشرطی می‌توانند در شهر رفت و آمد کنند که ماهیانه ۵۰۰ تومان بعنوان عوارض به شهرداری پرداخت کنند . با محاسبه درآمد ناچیز این افراد زحمتکش باید وضع و حال آنان را حس زد که چگونه این مبلغ را باید تأمین کنند ، در شرایطی در هیچ کجای قوانین به حساب نمی‌آیند و هیچ گونه کمک و همکاری با آنان نمی‌شود تنها وقتی سخن بر سر غارت توده‌هاست به آنها نیز توجه میشود .

سراوان - آفرماه ۶۴ :

بدنبال نرخ گذاری بر روی محصولات کشاورزان منطقه توسط سازمان تعاون روستائی " شرکت های تعاونی روستائی " ، زحمتکشان منطقه در اعتراض به میزان کم نرخ گذاری از فروشی محصولات خود به شرکت خودداری نموده و آنرا با قیمت بالاتر به سرمایه‌داران فروختند . این اعتراض متوجه نرخ خرما و گندم بوده است . اما کشاورزان منطقه سراوان که از فروش محصول گندم خود به شرکت تعاونی صرف به علت سطح پائین نرخ خودداری می‌نمودند بالاخره بغاطس احتمال قطع مواد سوختی اجباراً مازاد محصول را به شرکت می‌فروشند . تاکنون مقدار ۳۵۰ تن گندم و ۳۱ تن خرما از ابتدای فصل برداشت محصول به شرکتها فروخته شده . عدم حمایت دولت از کشاورزان و خرید محصولات وارداتی موجب کاهش محصولات و وخامت بیشتر وضع کشاورزان منطقه است .

زاهدان - ۶۴/۱۰/۵ :

در جلسه شورای اداری استان که در سالن استانداری تشکیل گردیده بود داستان انقلاب استان اعتراف کرد که ۹۰٪ مواد مخدر از طریق مرزهای منطقه سیستان و بلوچستان وارد کشور میشود و همچنین اعلام کرد که ۵۰٪ طلاق‌ها در خانواده‌های صورت می‌گیرد که بنحوی با مواد مخدر در ارتباط هستند . وی گفت دانش آموزان مراکز آموزش استان در معرض خطر مواد مخدر قرار دارند . این مزدور سرسپرده نگفت که اگر قاچاق مواد مخدر نبود حاجی بهرام کمیته‌چی معروف و غدیری داستان انقلاب سراوان دیگر رژیم که از قبل قاچاق مواد مخدر میلیونها تومان پول به جیب می‌زنند چه میکردند ؟

در این جلسه همچنین آموزش نظامی کارمندان و گیسل آنان به جبهه مطرح شد و بر حساس بودن منطقه از نظر امنیتی برای رژیم و لزوم همکاری با قوه قضائیه تأکید شد .

سراوان - دیماه ۶۴ :

بانک کشاورزی سراوان اتمام میکند که ۲/۵ میلیون تومان وام به کشاورزان برای خرید ماشین آلات کشاورزی و سایر امور کشاورزی آبیاری و احداث باغ و دامداری برداشت نموده است صرف نظر از عوامفریبیها و پیگیری منافع سرمایه‌داران در اینموارد باید متذکر شد که این وام اکثراً به سرمایه‌داران و سرشناسان در خود شهر پرداخت گردیده است و بجای ترویج کشاورزی در امور ساختمانی بکار گرفته شده است . و کشاورزان پس از مدت‌ها سردوانده عدن با سودهای کلان بنسبت مبلغ ناچیزی وام می‌توانند بگیرند . و عموماً برای اینکه وامدار دولت نشوند و زیربار وام نمانند با توجه به عدم توان برداشت آن از گرفتن وام استنکاف می‌ورزند .

چابهار :

کمیته هماهنگی امور حمل و نقل بندر بهشتی چابهار اعلام نمود که از این بندر در سه ماهه گذشته بیش از ۱۲۸ هزار تن از انواع کالا توسط ۵۳۴ کامیون بارگیری و حمل گردیده است . رقم واردات نسبت به سال گذشته در این بندر ۲۲۸٪ افزایش داشته است . این کالاها اکثراً مواد غذایی، برنج ، گندم و کود و ... بوده است . بدنبال وابستگی هرچه بیشتر اقتصاد به واردات لزوماً برای تشویق رانندگان به حمل اجناس وارداتی و مجبور نمونی آنها ، در عین حال فروش بسیاری از قطعات یدکی و مصرفی کامیونها را منوط به حمل و نقل این کالاها نموده‌اند ، از جمله لاستیک و لوازم یدکی و احداث کارخانه یخ و استراحتگاههای بین راه چابهار و ترمینال و خوابگاه و ... همه در این رابطه بوده است تا سیل کالاهای امیربالیستها زاپس و آمریکا و اروپا به داخل سرازیر گردد .

رانندگان زحمتکشی که عمدتاً برای سرمایه‌داران کار میکنند ، با این اندک تسهیلات فراهم شده با توجه به نبود کار در نقاط دیگر به این سمت کشانده میشوند .



اخبار

و عمق حماقت خویش را بنمای می‌گذارد. زحمتکشان کلیبورگان این رنجیدگان و ستمدیدگان از دو رژیم که همواره در فقر و سیه روزی زیسته‌اند امیدوی به رژیم ندارند. آنها با دامها و خانه‌های حصیری خود بدور از اولیه‌ترین امکانات زیستی کینه رژیم را در دل می‌پرورند.

سراوان - اواخر بهمن ۶۴:

اخیرا کلیه شوراها ی فرمایشی رژیم در روستاهای نرک هزنگیان محمدی، آسپیچ، هیتک (زیارت) به اهالی اعلام نموده‌اند که جهت ساختن راه اسفالته هیتک تا سراوان بایسد هدی کمک کنند. بهمین منظور روز جمعه ۶۴/۱۱/۲۵ اعضای شورای اسلامی این روستاها اعلام کردند که هرچه زودتر کمکهای مذکور جمع آوری شود. این درخواست با بی‌تفاوتی بی‌نظیری روبرو شد. لازم بیادآورید که روستاهای نرک هزنگیان، محمدی، آسپیچ بایسد ۱۰۰۰۰ تومان و روستاهای زیارت به علت کوچکی و جمعیت کم ۵۰۰۰۰ تومان بپردازند. کینه خالی حرص و آز رژیم تا آخرین رمق زحمتکشان پر نمی‌شود.

سراوان - سپکوه - بهمن ۶۴:

در اواخر بهمن ماه سه نفر از کارکنان مخابرات در نزدیکیهای راه سپکوه - خاش توسط افراد نامعلوم و مسلحی به هلاکت رسیدند که جسد آنها در این جاده بست رژیم یافتد. بعد از این واقعه بین جاده خاش - گشت توسط افراد نامنصی یک ماعین ده تن به آتش کشیده میشود که شواهد حاکی از آنست که این دو واقعه در ارتباط با هم بوده‌اند. هویت افراد مسلح معلوم نیست.

سراوان - آسپیچ - اسفندماه ۶۴:

یک ماعین تویوتا حامل چند کارتن موز توسط بسیج آسپیچ تحت تعقیب قرار میگردد و پس از غلبه یک چند تیر پنجر شده، راننده متسواری

و صاحب ماعین دستگیر میشود. پاسداران صاحب ماعین را که فرد زحمتکشی است به ۵۰۰۰۰ تومان جریمه یا توقیف ماعین مجبور میکنند. او با اظهار اینکه پول موزها چند یک این مبلغ نمی‌شود، مجبور به پرداخت جریمه شده است. با همه این ترسها و جپا و لها کاسه گذاشتی رژیم تا روز مرگ پسر نمی‌شود.

زابیل - بهمن ماه ۶۴:

بدنیال شکست پیاپی در جمع آوری کمکهای مالی رژیم چاره را در جمع آوری مواد خوراکی پیدا کرده است. جاتعلی شهنادی مسئول ستاد پشتیبانی جنک زابل زبونانه اظهار داشت " ما از مردم می‌خواهیم که به ما آرد و پول کمک بکنند تا برای رزمندگان کلوجه و مرپا و غیره درست بکنیم "

نیمه اول بهمن ماه ۶۴:

نیروهای رنگارنگ سرکوب مستقر در سیستان و بلوچستان برای پیشبرد سیاستهای ضد انقلابی رژیم کفایت نمیدهد بهمین خاطر از سایر نقاط کشور برای ماه سیل نیروهای سرکوب کمیتهای و پاسدار به شهرهای استان سرازیر شده است. این نیروهای اضافی به بهانه مبارزه با مواد مخدر به استان آمده‌اند که این بهانه‌ای بیش نیست چرا که عمده‌ترین عوامل پخش مواد مخدر نیروهای خود رژیم می‌باشند. این نیروها در واقع برای سرکوب مردم و نیروهای انقلابی بخصوص هواداران سازمان که در ماههای اخیر فعالیت آنها گسترش یافته است به منطقه گسیل شده‌اند.

لشار - نیمه اول بهمن ماه ۶۴:

محمولخان لشاری توسط پاسداران دستگیر شده است.

بنت (ستگرد) - بهمن ماه ۶۴:

در شب بارانی ساعت ۱۲ شب ۱۶ ماعین کرورز از پاسداران نیکشهر و قرقند به بنت (ستگرد) رفته و چراغ خان شیرانی و همراهانش را محاصره می‌کنند. بعد از مدت یکساعت تیراندازی متقابل بدون هیچ کشته‌ای از طرفین چراغ خان و افرادش بطرف بساگرد فرار می‌کنند.

دی ماه ۶۴:

پاسداران مزدور بهمه راه سایر سرکوبگران بزور اقدام به گرفتن پول از اهالی قرقند و نیکشهر و چاه بهار بعنوان کمک به جبهه‌های جنک نمودند. مبلغ این پول از ۳۰۰۰ تومان تا ۳۰۰۰۰ تومان بوده است. کسانیکه از پرداخت پول امتناع میکردند، آنها را تهدید به دستگیری بجرم ضد انقلاب نموده و با سرنیزه از آنها پول دریافت کرده‌اند.

بهمن ماه ۶۴:

طی یک درگیری بین بلوچهای مسلح و مزدوران رژیم در جاده اسفالته سرباز به چابهار در محلی با نام کلا رنگیان تعدادی از مزدوران رژیم به هلاکت رسیدند.

بهمن ماه ۶۴:

طی یک درگیری بین بلوچهای مسلح و مزدوران جهاد در جاده مسری جدید التاسیس در محلی با نام نری دور تعدادی از مزدوران رژیم به هلاکت رسیده و عده‌ای زخمی شدند.

بهمن ماه ۶۴:

راننده یک تویوتا دوهزار که مقدار ناچیزی موز داشته است هدف گلوله مزدوران ژاندارمری رژیم قرار گرفت و در اثر اصابت گلوله به مغزش جان سپرد.

بهمن ماه ۶۴:

مزدوران گشت مرزی به یک پسر بچه ۱۲ ساله که اختلال حواس داشته برخورد می‌کنند. وی را دستگیر و با قفسدای تفنگ آنقدر شکنجه میکنند که نفسی از صورت وی داغان میشود. پسر بچه که دنبال شتر گمشده‌اش میگشته است بجرم اشتر مورد ایذا و آزار قرار میگردد.

چابهار - ۶۴/۹/۲۲:

رژیم پس از تبلیغات کرکننده خود بدنیال فریب دانه آموزان و نوجوانان کم سن و سال موفق شده بود در این روز صد و پنجاه نفر از آنان را گردآوری نموده به مسلخ جبهه‌ها بفرستد.



زاهدان - بهمن ماه ۶۴:

پس از اعلام حق عائله مندی برای کارمندان که معادل ۸۰۰۰ ریال برای هر کارمند است اعلام شد که این حق به کارمندان بهداری تعلق نمی گیرد . کارمندان مذکور که مدام از سطح حقوق پائین خود و تورم موجود معترض بوده اند به این قانون اعتراض کرده و طی نامه ای که همه کارمندان آنرا امضا کرده اند خواهان حق مذکور شده اند

سراوان - بهمن ماه ۶۴:

بدنبال کمبود دارو در سطح وسیع اکثر داروخانه های شهر از ۱۰ اقلم دارو بیشتر ندارند و این موجب اعتراض مردم شده و خواهان پس گرفتن ترفه ای هستند که از آنها گرفته شده و در چندین مورد با مسئولین رزیم درگیری شدید لفظی داشته اند .

سراوان - بهمن ماه ۶۴:

در حالیکه فقط از سراوان تا پاسگاه آسیبج و قسمتی از جاده منطقه سوران اسفالت شده و قسمتی نیز تعمیر شده است به خاطر تبلیغات در ایام " ده فجر " رزیم با وقاحت اعلام کرده است که تاکنون ۱۰۲ کیلومتر جاده را در سراوان اسفالت کرده است .

زاهدان - دیماه ۶۴:

اجتمع مزدور استاندار جدید در جلسه ای با حضور فرماندار و شهردار و کارمندان استانداری و مرکز گسترش در محل استانداری بار دیگر هشدار داد که با توجه به رشد افکار ملحد و غیر توحیدی که سعی دارند رزیم جمهوری اسلامی را از بین ببرند مبارزه کنند و با شناسائی آنها در حفظ و بقای رزیم کوشا باشند .

کنارک - اول بهمن ماه ۶۴:

استاندار جدید استان به خاطر خوش آمدگویی به وزرای بازدیدکننده وارد کنارک شده بود پس از بازدید از سردخانه عیلات و کارگاه لنج سازی بازدید و بدون آنکه به مشکلات ماهیگیران و مردم زحمتکش محل پاخی بدعد با شتاب از منطقه خارج شده است .

زاهدان - بهمن ماه ۶۴:

بدنبال احیا پیمان منطقه ای سنتو مرزیم اکنون مشغول داد و ستد وسیع با پاکستان شده است . میلیونها تومان داروهای گیاهی را به پاکستان صادر نموده و ۷۸ هزار تن انواع کالا از این کشور وارد نموده است (که احتمالاً کالاهای نظامی است) و از طریق گمرک زاهدان ترخیص شده اند و ۲۲۰ میلیون بابت انبارداری و عوارض گمرکی برای رزیم عایدی داشته است . طبق اعلام مدیریت ناظر گمرکات استان قرار است که با اعتبار یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان یک پروژه عظیم گمرکی در بخش میرجاوه زاهدان احداث شود که هم اکنون در دست اجراست و در حال احداث جاده اسفالت میرجاوه به زاهدان می باشند و حتی با برنامه ریزی کشیدن خط آهن کرمان به زاهدان سعی دارند واردات خود را بیش از پیش از پاکستان افزایش دهند .

چابهار - بهمن ماه ۶۴:

با اعزام " کاروان راهیان نور " کمیته مستقر در چابهار گشت زنی ساحلی خود را شدت بخشیده . رزیم بدون آنکه کوچکترین فکری بحال فقر و بیکاری در منطقه بکند یا بتواند در این رابطه کاری بکند مدام در سرکوب توده ها قدم برمیدارد .

نیجه اول بهمن ماه ۶۴:

رزیم جمهوری اسلامی علاوه بر کوششهای مدید خود برای بستن مرزها و کنیندن جاده مرزی با پاکستان اخیر تدابیر ویژه ای در مرز پیشین به موقع اجرا گذارده و شروع به نصب سیم خاردار نموده است و قرار است برای کنترل مرز از افراد کمیته و زاندارمری استفاده کند .

زابل مصیب آب - ۱۱ بهمن ماه ۶۴:

جلسه گردهمائی شوراهای اسلامی روستائی بخش مصیب آب با حضور فرماندار زابل تشکیل شد . فرماندار تاکید کرد که شوراهای اسلامی در جهت برگزاری مراسم ده فجر گام اساسی بردارند و در این جهت بمیان اهالی روستا رفته و تبلیغ نمایند .

زاهدان - بهمن ماه ۶۴:

طبق اعلام اتحادیه تعاونی های روستائی استان تاکنون حدود ۷۵ میلیون تومان خریداری نموده است . این رقم پایین نشان دهنده عدم حمایت کشاورزان از سوی رزیم است .

زاهدان - بهمن ماه ۶۴:

بدنبال گفته های سفیها نه منتظری نال بر اعزام نیرو به سیستان و بلوچستان که در واقع بمنظور سرکوب مبارزات روز افزون خلق بلوچ اظهار شده . عده زیادی از پاسداران تحت نام " کاروان راهیان نور " عازم منطقه شده . این گروه متشکل از پاسداران کمیته مرکزی و استانهای تهران و زنجان و سراسر ایران با همراهی بازاریبان مرتجع و عده ای آخوند مبیها - عده علیرغم فشار برای بسیج مردم در استقبال این مزدوران تنها توانستند سرکوبگران نظامی و انتظامی وعده ای از کارمندان و معلمین و محصلین را با لجنبار به خیابان بیاورند . آنها قرار است در شهرستانهای سراوان ایران شهر مجابهاره خاش، زابل و زاهدان و میرجاوه مقرر شوند . عده ای بیش از هزار نفر از پاسداران کمیته ای در منطقه جالق سراوان در پایگاهها و پاسگاههای مرزی مستقر شده اند و عده ای نیز از پاسداران کمیته در پادگان آموزشی قوانین کمیته در خاش به حالت آماده باش مستقر شده اند . این مزدوران ظاهراً تحت عنوان مبارزه با مواد مخدر به این استان آمده اند . اما منظور آنها سرکوب توده ها و افزایش فشار آنان بر نیروهای انقلابی است .





گزارش

روز بعد صرف صبحگاه رئیس مدرسه برای جبران سرعکستگی و همچنین توفیق دانش آموزان گفت: دیروز راهپیمایی ما بهتر و با شکوهتر از راهپیمایی بقیه مدارس بوده است (توجه وقتی که بهترین بدین شکل بوده وای بحال بدترین!!)

یکی از دانش آموزان در مورد سخنران آخوندی که برای تبلیغات به دبیرستان آنها می‌رود گفت: يك آخوند هفته‌ای یکبار به دبیرستان ما برای سخنرانی می‌آید و برنامه او طولی است که هر روزی به يك دبیرستان برای سخنرانی می‌رود و روزی که نوبتش به دبیرستان ما می‌افتد بیشتر دانش آموزان آن صبح را با تاخیر به مدرسه می‌آیند و اغلب آنروز را طوری به مدرسه می‌آیند که وقت سخنرانی اوتامام شده باشد و همچنین در سر جلسات سخنرانی بعضی از دانش آموزان آخوند مذکور را مسخره می‌کنند. مثلاً یکی از دانش آموزان برای جواب درخواست آخوند بجای یکبار آمین گفتن برای تمسخر سه بار آمین می‌گوید و باعث خنده دانش آموزان و خجل شدن آخوند می‌شود که بعد از این جریان دانش آموز مذکور را دستگیر و به سپاه می‌برند و او را تهدید به اخراج

می‌نمایند و یا بعضی از دانش آموزان در پاسخ به آخوند که گفته بود به جبهه بروید و سنگر جبهه‌ها را حفظ بکنید می‌گویند: پس امام دروغ گفته که مدرسه سنگر است و با تمسخر اضافه می‌کنند: امام خوش گفته که مدرسه سنگر است و ما این سنگر مدرسه را حفظ می‌کنیم چون برای ما ضروری تر است و ...

عکس العمل دانش آموزان دبیرستان‌های شهر سراوان در مورد رفتن به جبهه‌ها: در پی تبلیغات وسیع و هرروز آخوندها و مسئولین امور تربیتی خاصه در مورد بسیج اخیر "کاروان راهیان کربلا" دانش آموزان از ثبت نام

تعداد مدارس کمبود شدید معلم و کتاب و فضای آموزشی و بطور کلی سیستم ارتجاعی آموزش و پرورش بقدری رسواست که حتی آنها نیز با هیچ ترفندی نمی‌توانند آنرا لایوشانی کنند. این رژیم همچون سایر بخشهای دیگر جامعه در آموزش و پرورش نیز نمی‌تواند قدمی هرچند کوچک بجلو بردارد و مادامکه رژیمهای از این قماش بر سر کار باشند هیچگونه تغییری در وضع فلاکت‌بار مردم رخ نخواهد داد.

و رفتن به جبهه جنگ خودداری کرده‌اند و از تمام دبیرستانهای شهر بجز عده معدودی بسیجی و دانش آموزانی ناآگاه در مدارس راهنمایی بقیه دانش آموزان از رفتن به جبهه خودداری نموده‌اند و نیز اغلب بسیجیهایی که برای رفتن به جبهه ثبت نام نموده‌اند از دانش آموزان غیربومی بوده‌اند.

در مورد تحریم راهپیمایها و مراسم رژیم: با وضعی که در چنین مواقعی دانش آموزان بوسیله مسئولین شدیداً کنترل و حضور و غیاب می‌شوند ولی بعضی از دانش آموزان در چنین مراسمی حضور نمی‌یابند و بیشتر از صفاهای راهپیمایی فرار می‌کنند و به خانه‌هایشان می‌روند، یکی از دانش آموزان در این مورد می‌گفت: اغلب دنبال کوچکترین فرصتی هستند که از میان صف فرار بکنند و هرکسی که امکان پیدا بکند حتماً فرار می‌کند. دانش آموز یکی از دبیرستانها

می‌گفت: مسئول امور تربیتی معلم نیست. دینی ما است. وقتی که او بیج کلاس می‌آید بجای درس شروع به تبلیغات برای جبهه و جنگ می‌نماید. که در چنین مواردی اغلب با تمسخر دانش آموزان روبرو می‌شود. و همچنین درس دینی، نرسی است که اغلب دانش آموزان با آن با بی‌علاقگی برخورد می‌کنند و بدین علت اغلب نمرات این درس در سطح پائینی می‌باشد. و در مورد برخورد دانش آموزان با امتحان درس دینی در یکی از مدارس بعثت سخت بودن این درس و همچنین برای اذیت کردن مسئول امور تربیتی هفت بار امتحان (ثلاث اول) این درس را به عقب انداخته‌اند و این باعث شده که معلم هفت بار ورقه تایپ کرده و مجدداً از بین ببرد و در يك مورد که او اوراق امتحان را آورده است همه دانش آموزان از صندلیها بعنوان اعتراض بلند شده و از گرفتن اوراق امتحانی خودداری می‌کنند وضع تاسف‌آور آموزش و پرورش در سراسر ایران و از جمله استان بقدری مشهود است که هیچکس نمی‌تواند آنرا انکار کند و تنها مزدوران حکومت هستند که با ارقام قلابی و آمار ساختگی می‌خواهند مردم را فریب دهند.

برنامه‌های رادیو "صدای فدائی"

هر روز ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر روی موج ۶۵ متر و ۷۵ متر بعدت ۴۵ دقیقه پخش می‌شود. عین همین برنامه روز بعد ساعت ۱۲/۳۰ ظهر مجدداً پخش می‌شود.

برای تماس با رادیو "صدای فدائی" می‌توانید با آدرس زیر مکاتبه نمایید.

A.C.A.
B.P. 43
94120 Fontenay sous
Bois France





گزارش پخش ..

را تهدید می کردند. خبر این عملیات توسط مدیران دبیرستان به ساوا ماسا و کمیته اطلاع داده شد. مزدور آن سرکوبگر از این که دیر خبردار شده اند عذیبا ناراحت می شوند و بعد از چند ساعت خود را به دبیرستانهای مذکور رسانده و مبادرت به شناسائی نیروهای باصطلاح "مشکوک" می نمایند و حتی چند دانش آموز و معلم را گرفته و با خود به ساوا ما می برند تا شاید سرخی بیابند، اما عاجز از هرگونه شناسائی وضعیت را فوق العاده اعلام کرده با هماهنگی سپاه بسیج، کمیته شهرداری، ژاندارمری اقدام به پیگردی و گفت از ساعت شش بعد از ظهر به بعد می نمایند. گشتهای ویژه با ماعین های شخصی شبانه روز در شهر تردد می نمایند

و نقاط خروجی و ورودی شهر را مسدود می کنند و ورود و خروج افراد را کنترل نموده هرکس را که موقع شب تردد نماید مورد بازدید بدنی قرار می دهند. در دبیرستانهای شبانه نیرو می گذارند. این گفت تا مدت مدیدی ادامه می یابد و سرانجام از دستگیری رفقا ناکام میمانند. خبر پخش حتی به شهرهای دیگر نیز می رسد.

آنچه به این عملیات بعدوسیمتری می بخشد اینست که: همزمان با اقدامات رژیم برای برگزاری ده فجر وزمینیه چینی هائی که رژیم پوسیده جمهوری اسلامی برای نمایش قدرت خویش انجام میداد مردم سراوان شاهد عملیات پخش اعلامیه توسط رفقای هوادار سازمان بودند. و تلاش مذبحخانه عمال سرکوبگر رژیم برای شناسائی و دستگیری رفقای ما هرچه بیشتر عجز و زبونی او را به نمایش می گذاشت و نمایش قدرت آنها را به نمایش زبونی شان تبدیل مینمود.

آنها که همواره از قلع و قمع نیروهای انقلابی سخن می گویند و زبان خود را چرب نموده بودند تا در روزهای ده فجر این ترجیع بند را از بلندگو-های فریبشان تکرار کنند. حساب تبلیغاتشان ترکید و زبانشان لکنست گرفت زیرا که مردم با نهایت شادی حضور نیروهای انقلاب را در صحنه احساس کرده و خبر اعلامیهها را به همدیگر میدادند و رژیم مجبور به دستگیری عده ای از دانش آموزان و معلمین شده بود، افزایش گشتهها و حمله دیوانه وار به عابرین و سرکفیدن به کوچه پس کوچه های شهر مجموعا هراس و گنجی او را از اقدامات انقلابی در روزهای ده فجر نشان نمی داد. مردم خبرپخش را در گوش همدیگر زمزمه می کردند و خشم و تنفر خود را از رژیم و علاقه به فرزندان انقلابی خود را نشان میدادند.



گزارشی از مدارس

بیشتر بشکل پراکنده و منفرد در اشکال تحریم مراسم صبحگاهی، تحریم جلسات سخنرانی آخوندها، تحریم مراسم راهپیمائیها، حضور نیافتن دستجمعی سر امتحانات دروس فقهی و دینی، تمسخر سخنرانان معمم و امور تربیتی و ... بروز می نمایند. و این مبارزات زمانی صورت می پذیرد که دانش آموزان با تهدید شدید مسئولین و تنبیهاتی از قبیل اخراج، کم کردن نمره انضباط حضور و غیاب و بستن درب مدارس و ... روبرو هستند.

نمونه هائی از عکس العمل دانش آموزان دبیرستانها در مقابل سیاستهای رژیم: برخورد دانش آموزان دبیرستانها در مورد راهپیمائی اول مهرماه: اول مهر ماه بمناسبت بازگشائی مدارس مراسم

با دربهای بسته دبیرستان روبرو می شوند. یکی از دانش آموزان گفت: " ما از مسافتی ۴۵ کیلومتری به دبیرستان می آئیم و در این سرمای زمستان صبحها خیلی زود سر جاده یکی دو ساعت منتظر می ایستیم تا با ماعین های گذری و وانت بار به شهر بیائیم. و با وصفی که خیلی زود حرکت می کنیم ولی اغلب با تاخیر مواجه می شویم. چرا که همیشه سر وقت ماعین نیست و وقتی که به دبیرستان می رسیم درب آن بسته است و نریان به ما اجازه ورود نمی دهد و ما در بعضی موارد از روی دیوار و یا نرده ها به داخل می پریم ولی در مواردی با وصفی که از این همه راه آمده ایم، بعلمت عدم اجازه ورود از کلاس درس محروم میشویم." در اغلب دبیرستانهای شهر روحیه مبارزهجویی در دانش آموزان وجود دارد و اکثریت قریب به اتفاق از وضعیت کنونی حاکم ناراضی می باشند. ولی بعلمت نبود جهت گیری صحیح مبارزات این ناراضیها بیشتر بشکل مبارزه منفی بروز می کند. و این مبارزات

راهپیمائی ترتیب دادند و دانش آموزان را برای راهپیمائی و شعار دادن به خیابان بردند. وقتی که دانش آموزان یکی از مدارس وارد خیابان شدند مدیر مدرسه بلندگو بکشت گرفت و در ضمنی که از دانش آموزان می خواست که پشت سر او شعارها را محکم تکرار بکنند، شروع به شعار دادن نمود. هیچیک از دانش آموزان شعارها را تکرار نکردند و ساکت پشت سرش راه می رفتند، او مرتب شعار میداد ولی دانش آموزان کلا ساکت بودند. مردم با دیدن این صحنه عذیبا می خندیدند و شعار نهنده را تمسخر می کردند. این وضع مدیر مدرسه را عذیبا ناراحت کرده بود و پشت سرم از دانش آموزان می خواست که شعارها را تکرار بکنند و ...

مراسم بدین شکل پایان داده شد تا بیشتر مایه آبروریزی نشود. این امر مسئولین آموزش و پرورش را عذیبا ناراحت کرده بود ولی با این وصف تهدید و خفونت را مناسب ندیده بودند و بنا بر این شیوه ای دیگر را در پیش گرفتند. بقیه در صفحه ۹

ضد امپریالیستی جیره جدا چه جیره په دمکراسی آناه انت



۷- مواد کنسروی مخصوص ارتش ۵۰ جعبه

۸- کنسرو ۲۰ جعبه

۹- فانسقه و جاخشابی ۱ عدد

۱۰- اسناد و مدارك و گزارش گشتهای این واحد رژیم :

مدارك بدست آمده حاکی از آنست که این گروه گشتی مامور تامین جاده چابهار تا شیرگواز بوده و مناطق نوبندیان، شیرگواز، باهوکلالت، ریمدان و ساحل دریا را زیر پوشش گشت خویش داشته اند از سوابق جنایتکارانه این گروه گشتی و در راس آن ستوان سهرابی رئیس پاسگاه ریمدان چندین فقره قتل و غارت زحمتکشان منطقه و مسموم نمودن آب تنها چشمه سهیل کُعب در سال خشکالی است که با هشیاری مردم و مشاهده اجساد پرنندگان در کنار آن، اهالی از نوشیدن آب چشمه خودداری مینمایند. کشتن دو راننده با شلیک تیر و هزاران اقدام وحشیانه دیگر از جمله اعمال این گروه می باشد.

اموال منهدم شده دشمن طی این عملیات عبارتند از :

۱- لندکروزر تویوتای شماره ۳۸۵۳۸

۲- بیسیم ارتشی یکدستگاه

۳- وسائل و تداركات نظامی شامل: پتو، مواد غذایی، کنسرو، اورکت، کیسه خواب و ...

رژیم جمهوری اسلامی و عوامل رنگارنگ بورژوازی بدانند که عرصه مبارزه به پهنه فلات خونین ایران است و از آتشخشم فرزندان فدائی، دشمنان خلق را گریزی نیست. پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان است. و بیگمان دیری نخواهد پائید که بساط رژیم جمهوری اسلامی و همسختانین به مردم و طبقه کارگر برچیده خواهد شد.

مرکب امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلیش:

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

زنده باد - سویالیسم

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سیستان و بلوچستان (بامی استار)

۷۴/۱۱/۳۰

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلیش



عملیات موفقیت آمیز سرمچاران فدائی در منطقه سیستان و بلوچستان

گزارش عملیات مسلحانه سرمچاران فدائی در محل "سهیل کتب" واقع در جاده شیرگواز - ریمدان: همزمان با سالگرد شهادت رفقای فدائی "شفی و صد" عملیاتی بنام رفقا کاوه، حسن، اسکندر که در حمله مسلحانه باند مدنی - شیبانی به مقر رادیوی سازمان بشهادت رسیده، انجام شد. طی این عملیات دو دستگیر از سرمچاران پایگاه شهید شفیی، در طی یک درگیری دو ساعته موفق شدند یک واحد گشتی از مزدوران رژیم را در منطقه "سهیل کتب" واقع در جاده شیرگواز - ریمدان ۱۲ کیلومتری شرق جاده اسفالتی ایران شهر - چابهار بکلی منهدم نموده با ضبط تمام غنائم بدست آمده همگی سالم به محل قرار خویش بازگردند. این عملیات در ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه صبح روز ۲۸/۱۱/۶۴ انجام شد، در این ساعت یک واحد گشتی رژیم، لندکروز شماره ۳۸۵۳۸ در حال گشت زنی به کمین رفقای قهرمان فدائی افتاد. مزدوران فرصت هیچگونه عکس العملی نیافتند و زیر آتش سرمچاران همراه با کلیه امکانات خود منهدم شدند. دوازده سرنشین گشت بهلاکت رسیدند، پس از این عملیات پیروزمندان سرمچاران فدائی با ضبط غنائم و شناسائی اجساد مزدوران با به آتش کشیدن ماشین و بقیه امکانات غیر قابل حمل محل را ترک گفتند.

اجساد شناسائی شده بشرح زیر می باشد:

- ۱- ستوان دوم احمد سهرابی، فرمانده گروه گشتی و رئیس پایگاه ریمدان متولد تهران
- ۲- گروه بان یکم حبیب الله سراهونی متولد زابل
- ۳- گروه بان دوم غلامرضا پرویز متولد زابل
- ۴- سید محمود یداللهی، درجه دار متولد زابل
- ۵- خزائی متولد آباد
- ۶- عبدالرحیم مرادی جوزقانی متولد بیرجند
- ۷- عبداللهی

پنج تن از اجساد که بدلیل نداشتن مدرک همراه خود قابل شناسائی نبود، متعلق به مزدوران سپاه پاسداران میباشد.

غنائم بدست آمده در این عملیات عبارتند از:

- | | | | |
|---------------|---------|--------------|---------|
| ۱- مسلسل ژ ۳ | ۱۰ قبضه | ۴- خشاب یوزی | ۶ عدد |
| ۲- مسلسل یوزی | ۲ قبضه | ۵- فشنگ ژ ۳ | ۱۸۰ عدد |
| ۳- خشاب ژ ۳ | ۹ عدد | ۶- فشنگ یوزی | ۱۲۰ عدد |